

شناخت محدثان هویزه و تلاش‌های علمی و حدیثی آنان

محمد جواد حسینی^۱

چکیده

رشد و گسترش حدیث‌پژوهی در یک منطقه، برآیند عوامل مختلف مادی و معنوی است. یکی از این عوامل را می‌توان حضور عالمان و محدثان در یک جغرافیای علمی دانست. تاریخ حدیث شیعه در قرن‌های نهم تا دوازدهم هجری و هم‌زمان با حکومت سادات مشعشی (۸۴۵-۱۱۷۶ق) بر جنوب ایران به مرکزیت هویزه، شاهد شکل‌گیری جریان شتابان علمی در این منطقه بوده است. نص‌گرایی، جریان فکری غالب شیعیان در این دوره محسوب می‌شد. عالمان هویزی به دلیل مراودات علمی با کانون‌های حدیث‌گرایی مانند اصفهان و شیراز و نیز در ادامه نص‌گرایی نسبتاً شدید پیشینیان خویش، گرایش زیادی به این گونه تفکر داشتند. در این نوشتار، عالمان صاحب اثر حدیثی و دیگر محدثان فعال در این مدرسه حدیثی، برای نخستین بار شناسایی و معرفی می‌شوند تا نقش آنان به عنوان یک مؤلفه تأثیرگذار بر رشد فعالیت‌های یک مدرسه حدیثی نمایان شود.

واژگان کلیدی

هویزه، مشعشیان، نص‌گرایی، اجازات، حلقه‌های حدیثی، تاریخ حدیث

درآمد

پیش از تشکیل دولت مشعشیان (۸۴۵ق) در جنوب غربی ایران و بخش‌هایی از عراق، گزارش چندانی از حضور عالمان و محدثان در هویزه وجود ندارد. مرکزیت حکومت آل مشعش که از بوشهر

۱. با تشکر از جناب حجت الاسلام و المسلمین مهریزی و جناب استاد سید علیرضا حسینی شیرازی که راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه سطح سه نویسنده با عنوان «حدیث در گستره حکومت مشعشیان» را بر عهده داشتند.

تا همدان و در عراق تا نزدیکی بغداد گسترش داشت در شهر هویزه بود. در میان اصحاب امامان علیهم‌السلام، نام راوی شیعی که به این منطقه منسوب باشد دیده نمی‌شود. هرچند در منابع کهن، نام تعدادی از راویان با پسوند «حویزی» به چشم می‌خورد^۲ اما آن‌ها در شهرهای دیگری رشد کرده و ساکن بودند. با این حال منطقه تحت ولایت مشعشعیان در قرن‌های پسین، عالمان و محدثان فراوانی را در خود جای داد که می‌توان آن را متأثر از وجود حکومت شیعی دانست.

درباره شناخت عالمان و محدثان این منطقه، کتابی با عنوان «الیاقوت الازرق فی اعلام الحویزه و الدورق» توسط مرحوم سید هادی بالیل موسوی تألیف شد و در آن اطلاعاتی از عالمان و شخصیت‌های بزرگ منطقه هویزه و دورق^۳ گردآوری گردید. سوگ‌مندان، دست‌نویس این کتاب، با درگذشت نویسنده گم شد؛ اما در برخی منابع، مطالبی از آن نقل شده که در نوشتار کنونی مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به نبودن منابعی برای شناسایی عالمان هویزه، دستیابی به ترجمه آنان نیازمند کاری فراگیر و فیش‌برداری از منابع پراکنده خواهد بود. کاری که در این نگاشته انجام شده، همین است. این مقاله را می‌توان جامع‌ترین اثر در معرفی محدثان و عالمان هویزه در دوران مشعشعیان دانست. هرچند سر نخ‌های موجود، نشان می‌دهد که عالمان و آثار دیگری هم در این منطقه وجود داشته که شاید احیای نسخه‌های خطی باقی‌مانده از آن، بتواند در شناخت بهتر شخصیت، فعالیت و تفکرات حدیثی رایج در این حوزه، سودمند باشد.

تاریخ دقیقی به عنوان سال انقراض مشعشعیان، ثبت نشده؛ اما پس از سال ۱۱۷۶ ق حکومت قدرتمندی با این عنوان در منطقه وجود ندارد. از این رو نگاشته کنونی به معرفی محدثانی که در بین سال‌های ۸۴۵ تا ۱۱۷۶ ق در این منطقه زیست کردند، می‌پردازد. بنابراین عالمان بزرگی چون عروسی حویزی صاحب تفسیر «نور الثقلین» که در این منطقه زندگی و تحصیل نکرده، مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.

پیش از این، مکتوبات حدیثی هویزیان در مقاله‌ای با عنوان «گونه‌شناسی نگارش‌های حدیثی دوران مشعشعیان در منطقه هویزه» توسط نگارنده منتشر شده^۴ که بر اساس محتوای برخی نسخه‌های باقی‌مانده و یا گزارش‌های معاجم و منابع کتاب‌شناختی تدوین شده است و می‌تواند در

۲. مانند عبدالله بن حسن بن ادريس الحویزی و احمد بن محمد بن سلیمان العباسی ابوالعباس الحویزی. (ن. ک: معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۲۷)

۳. دورق نام قدیم شادگان است که بخشی از قلمرو مشعشعیان بود.

۴. فصلنامه دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث، ش ۶، ص ۱۳۰.

تکمیل اطلاعات این پژوهش مفید باشد. در ادامه، ترجمه نویسندگان این آثار ارائه شده و سپس محدثانی که گزارشی از مکتوبات حدیثی آن‌ها به دست نیامده، بر اساس تاریخ وفاتشان، معرفی می‌شوند.

الف) محدثان صاحب اثر حدیثی

در بخش نخست، عالمان هویزی که دارای اثر شاخص حدیثی بوده‌اند شناسایی و معرفی خواهند شد. تلاش می‌شود برای جامعیت این نوشتار بیشتر اطلاعات به دست آمده درباره هر یک از این عالمان گزارش شود.

۱. سید محمد بن فلاح موسوی مشعشی

سید محمد، جدّ والیان هویزه و مؤسس حکومت مشعشعیان است. نسب وی به امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسد. او در منطقه واسط، متولد شد و از دوران کودکی تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. در ۱۷ سالگی قرائت قرآن را به پایان برد، بر کتابت مسلط شد و برای ادامه تحصیل به حله رفت.^۵ قاضی نورالله شوشتری درباره او به نقل از «تاریخ غیاثی» می‌نویسد:

در مبادی حال به طلب علوم، اشتغال داشت و در مدرسه حله به خدمت شیخ احمد بن فهد حلی که مجتهد شیعه بود استفاده می‌نمود ... سید مذکور جامع معقول و منقول بود و صوفی و صاحب ریاضت و مکاشفه بود.^۶

او در بازه‌های کوتاه به درجه‌ای از دانش رسید که در غیاب استادش ابن فهد و با اجازه او بر کرسی تدریس استاد تکیه می‌زد.^۷ ابن فهد پس از مرگ پدر سید محمد با مادر او ازدواج کرد و در واقع، وی فرزندخوانده ابن فهد بود. ادعاها و تندروی‌های ابن فلاح، کار را به جایی رساند که استادش، خون او را مباح اعلام کرد و برای قتل او به برخی از حاکمان منطقه، نامه نوشت. در بعضی منابع برای سید محمد لقب «مهدی» را به کار برده‌اند که نشان از انحراف فکری و ادعای مهدویت او دارد:

۵. ن. ک: اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۸.

۶. مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۳۹۶.

۷. ن. ک: اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۸.

و چون در میان اهل و عشیرت خود می‌نشست به ایشان می‌گفت
 من تسخیر عالم خواهم کرد و مهدی موعود منم و تقسیم بلاد و قری
 بر عشیره و اصحاب خود می‌نمود. چون آن سخنان او دیگر باره به
 احمد بن فهد رسید به قتل او فتوی داد.^۸

سید محمد در سال ۸۴۵ق پس از درگیری‌های فراوان، حکومت خود را در منطقه هویزه تأسیس
 کرد؛ اما برای مدتی از حکومت کنار گذاشته شد و زمام امور به دست فرزندش، سید علی افتاد. با
 کشته شدن سید علی، رهبری مشعشعیان دوباره به او رسید. وی در سال ۸۶۶ق مُرد.^۹ سید شبر محمد
 محمد بن ثنوان حویزی مشعشعی (۱۱۷۸ق) که از نوادگان اوست، درباره جدّ خود رساله‌ای با عنوان
 «رسالة فی نسب محمد المشعشعی» نوشته است.^{۱۰}

ابن فلاح، آثار علمی چندانی نداشت و مهم‌ترین مکتوب او «کلام المهدی»^{۱۱} است. این کتاب،
 شامل مباحث اعتقادی، فقهی و حتی موضع‌گیری‌های اجتماعی اوست. بخش قابل توجهی از کتاب
 به ذکر آیات و روایات فضیلت امیر مؤمنان علیه السلام و شرح آن اختصاص دارد.^{۱۲} اگرچه این کتاب را
 نمی‌توان یک اثر حدیثی مستقل دانست اما تلاش نویسنده بر آن بوده که در آن از حدیث، بهره گیرد.
 رساله‌ای با عنوان «جواب من انکر علی السید محمد بن فلاح، خروجه بالسیف و دعواه المهدویة»
 را مرحوم سید نصرالله مدرس حائری (م ۱۱۶۸ق) در ساری مشاهده کرده و آن را از نگاشته‌های سید
 محمد بن فلاح مشعشعی دانسته که جوابیه‌ای به مخالفانش بوده است. نسخه این رساله نزد سید
 شبر محمد بن ثنوان بوده و ظاهراً غیر از «کلام المهدی» است.^{۱۳}

مرحوم آقا بزرگ تهرانی رساله‌ای را با عنوان «رسالة فی الوصیة الی السید محمد بن فلاح بن
 محمد الموسوی الحویزی الملقب بالمهدی» در آثار جناب ابن فهد حلّی (م ۸۴۱ق) گزارش می‌کند
 که دارای اخبار غیبی از کلام امیر مؤمنان علیه السلام مانند پیدایش چنگیز خان مغول و شاه اسماعیل صفوی

۸. مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۳۹۶.

۹. ن. کذ اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۸.

۱۰. ن. کذ الدرعیة، ج ۴۴، ص ۱۴۲.

۱۱. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۰۲۲۲۲ وجود دارد و نسخه‌ای دیگر با عنوان «رسم
 السلطان» در کتابخانه آیت‌الله مرعشی به شماره ۱۲۱۱ ثبت شده است.

۱۲. کلام المهدی، ص ۱۴۸.

۱۳. ن. کذ الدرعیة، ج ۵، ص ۱۹۴.

است.^{۱۴} با توجه به محتوای این رساله، احتمال دارد که این اثر، همان «استخراج الحوادث»^{۱۵} باشد که تمرّد از دستور ابن فهد و کاربست محتوای این رساله، سبب انحراف ابن فلاح شد. صاحب ریاض العلماء می‌افزاید که ابن فهد، در این کتاب به حاکم وقت هویزه سفارش می‌کند که در زمان ظهور شاه اسماعیل از او اطاعت کند؛ چراکه وی را در جنگ، غالب می‌داند. همچنین میرزای افندی در «ترجمه جاماسب‌نامه»^{۱۶} شرحی بر این روایت و وصیت‌نامه نوشته است.^{۱۷}

جدای از انحرافات عقیدتی سید محمد، می‌توان او را به عنوان شاگرد ابن فهد حلّی، میراث‌دار مدرسه حدیثی حلّه دانست. البته شرح احادیث مناقبی او در «کلام المهدی» نیازمند بررسی بیشتر و جریان‌شناسی دقیق‌تر است.

۲. شیخ محمد بن نصار حویزی

وی ساکن دورق بود و با حاکمان مشعشی ارتباط خوبی داشت تا جایی که کتاب «الامامة» خود را در سال ۱۰۰۱ق به‌نام سید عبدالمطلب بن حیدر بن محسن بن محمد بن فلاح مشعشی نوشت.^{۱۸} شیخ حرّ عاملی درباره او می‌نویسد:

كَانَ فَاضِلًا عَالِمًا جَلِيلًا مِنْ تَلَامِذَةِ شَيْخِنَا الْبَهَائِيِّ، لَهُ كِتَابٌ فِي
الْأُصُولِ وَ لَهُ رَسَائِلٌ.^{۱۹}

فاضل، عالم و بزرگ بود. از شاگردان استاد ما شیخ بهایی بود. وی کتابی در اصول [عقائد] و رساله‌های دیگری داشت.

نام تعدادی از تألیفات او که در منابع، ذکر شده عبارت است از:

الامامة (کتاب فی الاصول، الفصول العشرة المهمة)،^{۲۰} حاشیه بر الفیة،^{۲۱} شرح الالفیة (الدرة السنية

۱۴. ن. کد همان، ج ۲۵، ص ۱۱۰.

۱۵. ن. کد همان، ج ۲، ص ۲۱.

۱۶. ن. کد همان، ج ۵، ص ۲۲.

۱۷. ج ۴، ص ۸۰.

۱۸. ن. کد الذریعة، ج ۱۶، ص ۲۴۱.

۱۹. امل الأمل، ج ۲، ص ۳۱۰.

۲۰. ن. کد الذریعة، ج ۲، ص ۳۳۷.

۲۱. تعلیقة امل الأمل، ص ۳۱۰.

فی شرح الرسالة الالفية)،^{۲۲} شرح الكلمات القصار^{۲۳} و شرح النهج.^{۲۴}

نسخه‌ای از کتاب «النبذة» در موضوع اجتهاد به سال ۱۰۲۳ق توسط محمد بن نصار کتابت شده^{۲۵} که بر این اساس، تاریخ وفات او باید پس از آن باشد. تلاش‌های حدیثی شیخ محمد، افزون بر حضور علمی در اصفهان و بهره‌گیری از جریان حدیثی آن دوره را می‌توان در آثاری همانند «الامامة»، «شرح الكلمات القصار» و «شرح النهج» دید.

۳. شیخ عبداللطیف بن علی حارثی همدانی عاملی حویزی

عبداللطیف بن علی بن احمد بن محمد بن علی ابن ابی جامع، اهل جبل عامل بود که پس از شهادت شهید ثانی به عراق و سپس به ایران آمد و در دورق مورد استقبال قرار گرفت. نسب آل ابی جامع^{۲۶} به حارث همدانی، صحابه امیر مؤمنان علیه السلام می‌رسد. عبداللطیف به همراه پدرش و به دعوت والیان مشعشی برای سکونت به هویزه رفت؛ اما پس از رحلت پدر، ساکن خلف‌آباد^{۲۷} شد. وی در سال ۱۰۴۲ق برای تصدی منصب شیخ الاسلامی به شوشتر رفت و تا پایان حیات، در آن شهر ماند.^{۲۸} پس از رحلت او فرهنگ دینی مردم آن منطقه به شدت افت کرد.^{۲۹}

شیخ عبداللطیف در مباحث علمی، آزادگی ویژه‌ای دارد. او در آثارش از استادش صاحب مدارک به «مفیدنا» و از استاد دیگرش صاحب معالم به «شیخنا» تعبیر می‌کند؛ اما مخالفت خود را با برخی از مبانی علمی ایشان ابراز می‌دارد. کتاب «جامع الاخبار» و ردیه‌ای بر «رسالة فی تقلید المیت»^{۳۰} صاحب معالم، نمونه‌های بارز این جدال علمی است. صاحب ریاض العلماء درباره او می‌نویسد:

كَانَ مِنْ أَفْضَلِ عُلَمَائِنَا الْمُقَارِبِينَ لِعَصْرِنَا وَ مِنْ أَجْلَاءِ تَلَامِذَةِ الشَّيْخِ
الْبَهَائِيِّ وَ كَانَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الشَّيْخِ عَلِيِّ سِبْطِ الشَّهِيدِ الثَّانِيِ مُسْأَلَةٌ وَ قَدْ
أُورِدَ فِي الدَّرِّ الْمَنْثُورِ [الدَّرَّةُ الْمَنْثُورُ] بَعْضُ أَسْئَلَةٍ عَنْهُ عَنْ عِبَارَةٍ فِي
كِتَابِ نِكَاحِ شَرْحِ اللُّمَعَةِ مَعَ جَوَابِهِ لَهُ وَ نَقَلَ التَّجَلِّيُّ الشَّيْرَازِيُّ فِي رِسَالَةِ
حُرْمَةِ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ أَنَّهُ مِمَّنْ لَمْ يُصَلِّ صَلَاةَ الْجُمُعَةِ.^{۳۱}

۲۲. كنه الذرية، ج ۸، ص ۹۸.

۲۳. ن. كنه همان، ج ۱۴، ص ۴۰.

۲۴. احتمالاً این اثر، همان شرح الكلمات القصار باشد. ن. كنه الذرية، ج ۱۴، ص ۱۴۷.

۲۵. ن. كنه همان، ج ۲۴، ص ۳۵.

۲۶. از آنجا که جد ایشان در جبل عامل، مسجد جامعی بنا کرده بود به این نام مشهور شده‌اند. ن. كنه تكلمة امل الأمل، ص ۲۸۲.

۲۷. امروزه به آن منطقه رامشیر گفته می‌شود.

۲۸. ن. كنه الذرية، ج ۴، ص ۵۶.

۲۹. اللجزة الكبيرة، ص ۷۴.

۳۰. شیخ عبداللطیف در مخالفت با استاد خود، عدم جواز تقلید از میت را موجب تکلیف به ما لایطاق و یا خروج مکلف از تکلیف

می‌داند. ن. كنه اعيان الشيعة، ج ۸، ص ۴۵.

۳۱. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۵۶.

از عالمان فاضل شیعی و نزدیک به عصر ما بود و از بزرگ‌ترین شاگردان شیخ بهایی محسوب می‌شد. بین او و شیخ علی، نوه شهید ثانی سؤالاتی رد و بدل شد که [شیخ علی] در کتاب «الدرّة المثنور» سؤالاتی را از او [شیخ عبداللطیف] در کتاب نکاح شرح لمعه همراه با جواب آن‌ها آورده است. شیخ تجلی شیرازی (م ۱۰۸۵ق) در رساله «حرمة صلاة الجمعة [فی حال الغيبة]» نقل کرده که شیخ عبداللطیف از کسانی است که نماز جمعه نمی‌خواند.

نخواندن نماز جمعه در دوره گسترش اخباری‌گری در ایران، مخالفت عملی با اخباریان محسوب می‌شد؛ چراکه بیشتر آن‌ها قائل به وجوب نماز جمعه در زمان غیبت بودند. البته وی مانند اخباریان در برابر دسته‌بندی چهارگانه حدیث به صحیح، حسن، موثق و ضعیف، موضع‌گیری کرده و انگیزه خود را از تألیف کتاب رجال و جامع الاخبار، اعتباربخشیدن به اسناد و روایات کتب اربعه اعلام می‌کند.^{۳۲}

از بین اساتید وی می‌توان به شیخ بهایی، شیخ حسن فرزند شهید ثانی (صاحب معالم)، سید محمد بن علی ابی الحسن عاملی (صاحب مدارک) اشاره کرد که از ایشان اجازه نقل روایت نیز دارد، همچنین از طریق پدرش شیخ نورالدین علی بن احمد بن ابی جامع از محقق کرکی نقل روایت می‌کند.^{۳۳}

سید علی‌خان بن خلف مشعشی (م ۱۰۸۸ق) از شاگردان میرزا اوست که در عبارتی، شیخ عبداللطیف را استاد و مستند علمی خود معرفی می‌کند.^{۳۴} کسان دیگری مانند فرزندش، شیخ محی‌الدین^{۳۵} و محمد بن سراپا الحویزی در محضر شیخ عبداللطیف به تحصیل مشغول بوده و از وی اجازه نقل روایت گرفته‌اند.^{۳۶} نگاشته‌های وی عبارت است از:

۳۲. عمدت فیہ الی اثبات ما طرحه بعض مشایخنا المتأخرین من الضعیف بل الموثق بحسب الاصطلاح الجدید فهدموا بذلك اکثر من نصف احادیث الکتب الاربعه. (الذریعة، ج ۵، ص ۳۸)
 ۳۳. ن. کذ: امل الأمل، ج ۱، ص ۱۱۱.
 ۳۴. ن. کذ: ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۵۶.
 ۳۵. طایفه آل محی‌الدین در نجف به او منسوبند. ن. کذ: تکملة امل الأمل، ص ۲۷۳.
 ۳۶. ن. کذ: موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، ص ۱۶۵.

جامع الاخبار فی ایضاح الاستبصار،^{۳۷} حاشیه بر معالم الاصول،^{۳۸} رجال الشیخ عبداللطیف،^{۳۹} الرّد علی صاحب المعالم فی الاجتهاد و التّقلید،^{۴۰} شرح التّهذیب،^{۴۱} کتاب المنطق،^{۴۲}

شیخ عبداللطیف به همراه دو برادرش، شیخ رضی الدّین و شیخ فخرالدّین از شیخ حسن بن زین الدّین شهید ثانی صاحب معالم اجازه نقل روایت گرفته‌اند.^{۴۳} او در سال ۱۰۵۰ق در شوستر رحلت کرد.^{۴۴} تألیف آثاری مانند «کتاب الرّجال»، «جامع الاخبار فی ایضاح الاستبصار»، «شرح التّهذیب»، تبادل اجازات و دفاع از روایات کتب اربعه از جمله فعالیت‌های حدیثی شیخ عبداللطیف است.

۴. سید خلف بن مطلب بن حیدر موسوی مشعشعی حویزی

وی از شایسته‌ترین والیان و عالمان هویزه است که در سال ۹۸۰ق در هویزه به دنیا آمد. شیخ حرّ عاملی در «أمل الأمل» می‌نویسد:

السَّيِّدُ الْجَلِيلُ خَلْفُ بْنُ مُطَلِّبِ بْنِ حَيْدَرِ بْنِ الْمَوْسَوِيِّ الْمُشْعَشَعِيِّ
الْحَوِيزِيِّ حَاكِمِ الْخَوِيزَةِ كَانَ عَالِمًا فَاضِلًا مُحَقِّقًا جَلِيلَ الْقَدْرِ شَاعِرًا أَدِيبًا
مِنَ الْمُعَاصِرِينَ لِشَيْخِنَا الْبَهَائِيِّ.^{۴۵}

سید بزرگ خلف بن مطلب بن حیدر موسوی مشعشعی حویزی، حاکم هویزه که عالم، فاضل، محقق، بلندجایگاه، شاعر و ادیب بوده و با استاد ما شیخ بهایی هم‌عصر بود.

صاحب «ریاض العلماء» او را چنین توصیف می‌کند:

السَّيِّدُ الْجَلِيلُ الْمَوْلَى خَلْفُ ابْنِ السَّيِّدِ عَبْدِ الْمُطَلِّبِ بْنِ حَيْدَرِ بْنِ
الْمُحْسِنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُلقَبِ بِالْمَهْدِيِّ الْمَوْسَوِيِّ الْحُسَيْنِيِّ الْمُشْعَشَعِيِّ

۳۷. ن. کذ الدّریعة، ج ۵، ص ۳۷.

۳۸. ن. کذ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، ص ۱۶۵.

۳۹. ن. کذ الدّریعة، ج ۱۰، ص ۱۲۹.

۴۰. صاحب معالم دو اثر در موضوع اجتهاد و تقلید دارد. یکی، «مشکاة القول السدید فی معنی الاجتهاد و التّقلید» و دیگری «رسالة فی تقلید المیت» که شیخ عبداللطیف در رد رساله اخیر دست به قلم شد. ن. کذ همان، ج ۲۱، ص ۶۰.

۴۱. ن. کذ همان، ج ۱۳، ص ۱۵۷.

۴۲. ن. کذ همان، ج ۲۳، ص ۵۲.

۴۳. ن. کذ همان، ج ۱، ص ۱۷۲.

۴۴. ن. کذ همان، ج ۵، ص ۳۸.

۴۵. امل الأمل، ج ۲، ص ۱۱۲.

الْحُوَيْزِيُّ الْحَاكِمُ بِالْحُوَيْزَةِ الْفَاضِلُ الْعَالِمُ الشَّاعِرُ الْمَعْرُوفُ بِالْمَوْلَى خَلْفَ
وَ كَانَ لَهُ مِيلٌ إِلَى التَّصَوُّفِ وَ هُوَ جَدُّ وَاثَةِ الْحُوَيْزَةِ الْمَعْرُوفِينَ بِالْمَوَالِي
... وَ فِي الطَّلِيغَةِ كَانَ فَاضِلًا وَ صَنَفَ كُتُبًا مُفِيدَةً وَ كَانَ أَدِيبًا شَاعِرًا وَ
اجْتَمَعَ بِالشَّيْخِ الْبَهَائِيِّ فِي فَارِسَ وَ بِالْمِيرِزَا مُحَمَّدِ بْنِ الْأَسْتَرَابَادِيِّ صَاحِبِ
كِتَابِ الرِّجَالِ فِي الْجِجَارِ وَ أَضَرَ فِي آخِرِ عُمُرِهِ.^{٤٦}

سید بزرگ مولی خلف بن سید عبدالمطلب بن حیدر بن محسن بن
محمد ملقب به مهدی موسوی حسینی مشعشی حویزی، حاکم هویزه،
فاضل، عالم، شاعر، مشهور به «مولی خلف» بود. وی متمایل به تصوف
بوده و جد و الوان هویزه که به «موالی» مشهورند است ... در جوانی، فردی
فاضل بود که کتاب‌های سودمندی نگاشت و ادیب و شاعر نیز بود. با شیخ
بهایی در شیراز و با میرزا محمد استرآبادی صاحب کتاب رجال در حجاز
ملاقات داشت و در آخر عمرش نابینا شد.

سید علی‌خان، فرزند سید خلف در رساله‌ای به نام «النور المبین» که به دست میرزا عبدالله افندی
رسیده، پدرش را چنین معرفی می‌کند:

كَانَ زَاهِدًا مُرْتَضًا يَأْكُلُ الْجَشَبَ وَ يَلْبَسُ الْخَشِينَ مَعَ أَنَّهُ كَانَ وَالِيًا،
إِقْتِدَاءً بِسِيرَةِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كَانَتْ عِبَادَتُهُ يُضْرَبُ بِهَا الْمَثَلُ حَتَّى أَنَّهُ لَمَّا
كَانَ بَصْرَةَ سَالِمًا كَانَ أَكْثَرَ لِيَالِي الْجُمُعِ يَخْتِمُ بِهَا الْقُرْآنَ وَ لَا تَفَوَّتُهُ
النَّوَائِلُ وَ كَانَ كَثِيرَ الصِّيَامِ لَمْ يَقْتَهُ ذَلِكَ فِي سَنَةٍ مِنَ السَّنِينَ إِلَّا أَنَّهُ
كَانَ تَارَةً يَصُومُ رَجَبَ وَ يُفْطِرُ فِي شَعْبَانَ أَيَّامًا وَ مَعَ مَا كَانَ عَلَيْهِ مِنَ
الزُّهْدِ وَ التَّقْوَا كَانَتْ شَجَاعَتُهُ تُضْرَبُ بِهَا الْأَمْثَالُ.^{٤٧}

او زاهدی اهل رنج‌کشیدن بود که غذای سخت و نامناسب می‌خورد و
لباس خشن می‌پوشید (در حالی که والی بود) تا به سیره اجدادش عَلَيْهِ السَّلَامُ اقتدا
کند. عبادت او مثال‌زدنی بود تا جایی که در زمان سلامت بینایی، بیشتر

٤٦. ریاض العلماء، ج ٢، ص ٢٣٩.
٤٧. همان، ج ٢، ص ٢٤٧.

شب‌های جمعه، قرآن را ختم کرده و نوافل او ترک نمی‌شد و روزه فراوان می‌گرفت و هیچ سالی از سال‌ها روزه‌های مستحبی او فوت نمی‌شد؛ مگر این که گاهی همه ماه رجب را روزه می‌گرفت و چند روز از شعبان را افطار می‌کرد. او در حالی که فردی زاهد و با تقوا بود، شجاعتش نیز ضرب المثل بود.

شجاعت و تدبیر سید خلف باعث شد که برادرش سید مبارک در سال ۱۰۱۳ق او را نابینا کند تا مبادا به حکومت وی نظری داشته باشد. سید پس از این حادثه به خلف‌آباد در مجاورت دورق منتقل شد و پس از اذن گرفتن از شاه صفوی،^{۴۸} این منطقه را آباد کرده و نه‌رهای در آن ایجاد نمود. به همین دلیل این منطقه به نام او منسوب شد. صاحب ریاض وی را حاکم هویزه معرفی می‌کند؛ اما ظاهراً او در هویزه حکومت نکرده؛ بلکه ولایت شهرهای دیگر را بر عهده داشت؛ چراکه پدرش حاکم عام منطقه بود و پس از او برادرش، سید مبارک و سپس فرزندان سید خلف بر هویزه، حکومت عام داشتند.

سید علی‌خان درباره برنامه زندگی پدرش، سید خلف می‌نویسد:

پدرم پس از نابینا شدن کارهایش را به دو دسته تقسیم کرده بود؛ بخش نخست را به تصنیف و تألیف کتاب‌ها اختصاص داده و از آن‌جا که در معماری و احیای موات مهارت داشت، بخش دیگری از وقتش را به عمارت شهرها و روستاها و حفر نه‌رها می‌گذراند. او به تعداد فرزندان، مناطقی را آباد کرد و هر کدام را به یکی سپرد تا پس از او میان آن‌ها اختلافی به وجود نیاید. وی حاصل زراعی این مناطق را در مصارفی مانند زکات، صدقه، ارحام، شاعران و حتی به عنوان تألیف قلوب بین مخالفان مذهب تقسیم می‌کرد.^{۴۹}

سید خلف مشعشی یکی از پرتألیف‌ترین عالمان و حاکمان هویزه است. بیشتر آثار وی در کتاب «ریاض العلماء» ذکر شده که عبارت است از:

۴۸. مشعشیان پس از شکست از صفویان، به عنوان یک حکومت اقماری ادامه حیات می‌دادند.
۴۹. همان، ج ۲، ص ۲۴۷.

الاثنا عشریة،^{۵۰} ارجوزة فی النحو یا منظومة فی النحو،^{۵۱} برهان الشیعة فی اثبات امامة امیر المؤمنین علیه السلام،^{۵۲} البلاغ المبین فی الاحادیث القدسیة،^{۵۳} الحجّة البالغة فی اثبات امامة امیر المؤمنین علیه السلام بالآیات الشریفة و النصوص المعتمدة عند الفريقین،^{۵۴} الحقّ المبین فی المنطق و الکلام،^{۵۵} حقّ الیقین فی الکلام،^{۵۶} خیر الکلام فی المنطق و الکلام و ثبات امامة کل امام،^{۵۷} الدروع الواقیة فی الذاکرة و الادعیة،^{۵۸} دلیل التّجّاح فی الادعیة و الذاکرة،^{۵۹} دیوان السید خلف المشعشی،^{۶۰} دیوان شعر فارسی،^{۶۱} رساله فی النحو،^{۶۲} سبیل الرّشاد فی النحو و الصّرف و الاصول و احکام العبادات،^{۶۳} سفینه النّجاة فی فضائل الائمة الهداة،^{۶۴} سیف الشیعة فی شنائع اعداء الائمة،^{۶۵} فخر الشیعة فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام،^{۶۶} مظهر الغرائب فی شرح دعاء العرفة الحسینیة،^{۶۷} المودة فی القربی فی فضائل الزّهراء و الائمة الهداة و اثبات امامتهم بالنّص الصّریح و الرّد علی سائر المذاهب و الملل،^{۶۸} التّهجّ القویم من کلام امیر المؤمنین علیه السلام.^{۶۹}

از شاگردان وی، شیخ علی بن احمد بن محمد بن علی بن احمد بن ابی جامع عاملی حارثی همدانی است. وی از سید خلف، اجازه‌ای به تاریخ ۱۰۱۵ ق دارد.^{۷۰} همچنین از شاگردان سید خلف می‌توان به فرزندش سید علی‌خان مشعشی اشاره کرد. سید در سال ۱۰۷۴ ق وفات یافت.

۵۰. ن. کذ الذریعة، ج ۱، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.
۵۱. ن. کذ همان، ج ۲۳، ص ۱۴۱ و ج ۱، ص ۵۰۲.
۵۲. ن. کذ همان، ج ۳، ص ۹۷.
۵۳. ن. کذ همان، ج ۳، ص ۱۴۱.
۵۴. ن. کذ همان، ج ۶، ص ۲۵۸.
۵۵. ن. کذ همان، ج ۷، ص ۳۸.
۵۶. ن. کذ امل الامل، ج ۲، ص ۱۱۱.
۵۷. ن. کذ الذریعة، ج ۷، ص ۲۸۵.
۵۸. ن. کذ همان، ج ۸، ص ۱۴۶.
۵۹. ن. کذ همان، ج ۸، ص ۲۶۲.
۶۰. ن. کذ همان، ج ۹، ص ۳۰؛ امل الامل، ج ۲، ص ۱۱۱.
۶۱. ن. کذ همان.
۶۲. ن. کذ امل الامل، ج ۲، ص ۱۱۱.
۶۳. الذریعة، ج ۱۲، ص ۱۳۸.
۶۴. ن. کذ همان، ج ۱۲، ص ۱۹۸.
۶۵. ن. کذ همان، ج ۱۲، ص ۲۸۷.
۶۶. ن. کذ همان، ج ۱۶، ص ۱۲۴.
۶۷. ن. کذ همان، ج ۲۱، ص ۱۶۸.
۶۸. ن. کذ همان، ج ۲۳، ص ۲۵۵.
۶۹. ن. کذ همان، ج ۲۴، ص ۴۲۳.
۷۰. ن. کذ اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۱۸۷.

تلاش‌ها و فعالیت حدیثی سید در اجازات و بیشتر آثار وی، به روشنی گویای توجه ویژه او به عنوان یک حاکم و عالم به جریان حدیث است؛ چیزی که می‌توان آن را عامل مهمی در قدرت و سرعت بخشیدن به حرکت علمی و حدیثی عالمان منطقه هویزه دانست.

۵. مساعد بن بدیع بن حسن حویزی

شیخ مساعد، فقیه متبحر و دارای تخصص در دانش رجال بود. وی از معاصران شیخ حرّ عاملی است که در «امل الآمل» درباره او می‌نویسد:

فاضلٌ فقیهٌ مُعاصِرٌ، لَهُ كِتَابٌ مَنَاسِكِ الْحَاجِّ وَ غَيْرُ ذَلِكَ.^{۷۱}

او دو فرزند به نام‌های عبدمحمد و عبدالله^{۷۲} داشت که آنان نیز اهل علم بودند.

تألیفات وی عبارت است از:

حاشیه بر خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال،^{۷۳} رجال شیخ مساعد (فوائد رجالية)،^{۷۴} شرح فوائد الوسائل،^{۷۵} مناسک الحج (الحاج).^{۷۶}

شهید ثانی (م ۹۶۶ق) بر «خلاصة الاقوال» علامه حلی (م ۷۲۶ق) حاشیه‌ای نوشته که شیخ مساعد هنگام استنساخ خلاصة الاقوال، حواشی شهید را نیز به نسخه جدید منتقل کرده است. وی همچنین حواشی دیگری را بر آن افزوده که این نسخه به دست شیخ حرّ عاملی رسید. شیخ مساعد در پایان این نسخه، چند فایده رجالی افزوده که به «رجال شیخ مساعد» مشهور شد. همچنین وی نسخه‌ای از «غایة المراد فی شرح نکت الارشاد» شهید اول (م ۷۸۶ق) را در سال ۱۰۷۴ق کتابت کرد.^{۷۷} از تاریخ وفات وی اطلاعی در دست نیست؛ اما با توجه به تاریخ نگارش «خلاصة الاقوال» و «غایة المراد» وفات او پس از سال ۱۰۷۴ق بوده است.

تلاش حدیثی شیخ مساعد، بیشتر، رنگ و بوی رجالی دارد.

۷۱. ج ۲، ص ۳۲۱.

۷۲. ن. کذ الذریعة، ج ۲۲، ص ۱۹.

۷۳. ن. کذ همان، ج ۶، ص ۸۳.

۷۴. ن. کذ همان، ج ۱۰، ص ۱۵۰.

۷۵. ن. کذ همان، ج ۱۳، ص ۳۸۸.

۷۶. ن. کذ همان، ج ۲۲، ص ۲۷۳.

۷۷. ن. کذ همان، ج ۱۶، ص ۱۷.

۶. علی بن خلف موسوی مشعشی

علی بن خلف مطلب بن حیدر بن محسن بن محمد بن فلاح، از والیان هویزه است که حکومت را از پسر عموی خود سید برکت تحویل گرفت. اشتغال به خوش گذرانی سید برکت باعث شد تا صفویان او را از حکومت، عزل کرده و سید علی خان را در سال ۱۰۶۰ق بر هویزه مسلط کنند. سید علی از سال ۱۰۴۹ق به مدت چهار سال ملازم شاه صفی بود و پس از او تا انتصاب به حکومت هویزه با شاه عباس صفوی همراهی داشت.^{۷۸} وی سال‌هایی که در اصفهان ساکن بود از محضر شیخ علی، نوه شهید ثانی بهره برد و در سال ۱۰۷۶ق از او اجازه روایت دریافت کرد. همچنین از پدرش، سید خلف مشعشی نیز نقل روایت کرده است. شیخ حسین بن محی‌الدین بن عبداللطیف ابی جامعی از سید علی مشعشی روایت نقل می‌کند.^{۷۹} شیخ حرّ عاملی درباره سید علی خان می‌نویسد:

حَاكِمُ الْحُوَيْزَةِ كَانَ فَاضِلًا شَاعِرًا أَدِيبًا جَلِيلَ الْقَدْرِ، لَهُ مُؤَلَّفَاتٌ فِي
الْأُصُولِ وَ الْإِمَامَةِ وَ غَيْرِهَا ... وَ هُوَ مِنَ الْمُعَاصِرِينَ وَ قَدْ ذَكَرَهُ صَاحِبُ
السَّلَافَةِ وَ أَتَى عَلَيْهِ وَ أوردَ لَهُ أَشْعَارًا وَ قَدْ مَدَحَهُ شِعْرًا عَصْرِهِ مِنْ أَهْلِ
بِلَادِهِ وَ غَيْرِهِمْ.^{۸۰}

حاکم هویزه که فاضل، شاعر، ادیب و بلندجایگاه بود. تألیفاتی در عقاید و امامت و غیر آن دارد ... او از معاصران است و صاحب «سلافة العصر» نام وی را آورده و تمجید نموده و اشعاری نیز از او ذکر کرده است. شاعران هم عصر وی از شهرهای خودش (منطقه هویزه) و دیگران او را مدح کرده‌اند.

صاحب «ریاض العلماء» وی را چنین معرفی می‌کند:

كَانَ هُوَ وَ وَالِدُهُ مِنْ أَكْبَرِ الْعُلَمَاءِ وَ كَانَ لِهُمَا مَبِيلٌ إِلَى التَّصَوُّفِ ...
وَ تُوِّفِيَ فِي عَصْرِنَا وَ خَلَفَ أَوْلَادًا ذُكُورًا كَثِيرَةً وَ أَنَاثًا وَ قَدْ أَخَذَ حُكُومَةَ
تِلْكَ الْبِلَادِ أَوْلَادُهُ وَاجِدًا بَعْدَ وَاجِدٍ إِلَى هَذَا الْيَوْمِ عَامَ ۱۱۱۷.^{۸۱}

۷۸. ن. ک: اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۲۳۶.

۷۹. ن. ک: مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۱۷۰.

۸۰. امل الأمل، ج ۲، ص ۱۸۷.

۸۱. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۷۷.

او و پدرش از عالمان بزرگ بودند و هر دو به تصوّف گرایش داشتند ...
 او در عصر ما فوت کرد و فرزندان پسر و دختر فراوانی از وی به جا ماند که
 تا این سال یعنی ۱۱۱۷ق فرزندان حکومت آن شهرها (منطقه هویزه) را
 یکی پس از دیگری به دست می‌گیرند.

گزارش‌هایی از زندگی ساده و عبادت فراوان سید خلف وجود دارد؛ تا جایی که میرزای افندی
 وی را متمایل به تصوّف خوانده است. اما درباره خود سید علی‌خان، این گزارش‌ها وجود ندارد. شاید
 افندی شخصیت و تفکر پدر را در فرزند تأثیرگذار دانسته و او را نیز مانند پدرش متمایل به تصوّف
 می‌داند. همچنین میرزای افندی احتمال می‌دهد که بیشتر فواید کتب محدّث جزایری از آثار سید
 علی‌خان گرفته شده باشد. وی، رفت و آمد فراوان محدث جزایری با والی هویزه را در آثار او تأثیرگذار
 می‌داند^{۸۲} و دور از ذهن نیست که موضوعات را از تألیفات سید علی‌خان، الهام گرفته باشد. محدث
 جزایری در «الانوار النعمانیة» از او به بزرگی یاد کرده و به رفت و آمدهای مستمر به هویزه و معاشرت
 با سید علی‌خان اشاره می‌کند.^{۸۳} تألیفات سید علی‌خان عبارت است از:

جواب اعتراضات السید الشریف الجرجانی علی حدیث الغدیر،^{۸۴} خیر المقال فی شرح القصیده
 المقصورة فی مدح النبی و الال^{۸۵} خیر جلیس و نعم انیس،^{۸۶} دیوان السید علی‌خان المشعشی
 (فارسی)،^{۸۷} شرح حدیث الاسماء،^{۸۸} مجموعة منتخبة،^{۸۹} منتخب التفاسیر،^{۹۰} نکت البیان و ادب
 الاعیان،^{۹۱} النور المبین فی النص علی امیر المؤمنین^{۹۲}.

سید شهاب‌الدین احمد بن ناصر بن معتوق موسوی حویزی (م ۱۰۸۷ق) دیوانی معروف به «دیوان
 ابن معتوق» دارد که آن را به نام سید علی‌خان سروده است.^{۹۳} همچنین رساله‌ای با عنوان «رسالة

۸۲. ن. کذ ریاض العلماء، ج ۴، ص ۸۰.

۸۳. ج ۴، ص ۲۱۹.

۸۴. ن. کذ الذریعة، ج ۵، ص ۱۷۵.

۸۵. این اثر در موضوعاتی مانند ادب، نبوت و امامت بوده و در چهار جلد تنظیم شده است. (همان، ج ۷، ص ۲۸۵)

۸۶. ن. کذ همان، ج ۷، ص ۲۸۱.

۸۷. ن. کذ همان، ج ۹، ص ۷۵۵.

۸۸. ن. کذ همان، ج ۱۳، ص ۱۸۷.

۸۹. سید علی‌خان این مجموعه را از چهار اثر خود یعنی منتخب التفاسیر، النور المبین، النکت و خیر المقال برگزیده و به شیخ
 علی، نوه شهید ثانی هدیه کرده است. (همان، ج ۲۰، ص ۱۰۷)

۹۰. ن. کذ همان، ج ۲۲، ص ۳۸۶.

۹۱. ن. کذ همان، ج ۲۴، ص ۳۰۴.

۹۲. ن. کذ همان، ج ۲۴، ص ۳۷۶.

۹۳. این دیوان را فرزند ناظم تنظیم کرده لذا به دیوان ابن معتوق مشهور است. (ن. کذ همان، ج ۹، ص ۲۹)

فی نسب السید علی‌خان» تألیف شده که با نظر به توضیحات آقا بزرگ تهرانی پیرامون محتوای رساله،^{۹۴} می‌توان احتمال داد که همان کتاب «الذخیره فی العقبی فی مودة ذوی القربی» اثر سید شبر حویزی باشد. سید علی‌خان در سال ۱۰۸۸ ق وفات کرد.

تلاش حدیثی سید در آثاری مانند «جواب اعتراضات السید الشریف الجرجانی علی حدیث الغدیر»، «شرح حدیث الاسماء»، «نکت البیان و ادب الاعیان» و «النور المبین فی النص علی امیر المؤمنین علیه السلام» قابل مشاهده است.

۷. شیخ یوسف بن محمد (علی) بحرانی حویزی

او از معاصران محدث عاملی و از عالمان حویزی است که از بحرین به ایران آمد و در منطقه حکومت مشعشعیان ساکن شد. شیخ حرّ عاملی درباره شخصیت شیخ یوسف بن محمد می‌نویسد:

فَاضِلٌ فَقِيهٌ صَالِحٌ زَاهِدٌ مُعَاصِرٌ، لَهُ كِتَابٌ شَرَحَ كِتَابِنَا تَفْصِيْلًا وَسَائِلَ الشَّيْعَةِ، جَمَعَ فِيهِ اقْوَالَ الْفُقَهَاءِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الْفَوَائِدِ لَمْ يُسَمَّ وَ لَهُ رَسَائِلٌ أُخْرُ.^{۹۵}

فاضل، فقیه، صالح، زاهد و از معاصران است. کتابی در شرح کتاب ما «تفصیل وسائل الشیعه» دارد که اقوال فقهاء و نکات دیگری را در آن گردآوری کرده اما این کتاب، تمام نشده. رساله‌های دیگری هم دارد.

اثر مهم وی «شرح تفصیل وسائل الشیعه» یا «نهایة التّحصیل فی شرح مسائل التّفصیل» است^{۹۶} که در آن شرحی بر کتاب وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی نوشته؛ اما ناقص مانده و فقط سه جلد آن به اتمام رسیده است؛ شامل مباحث اصولی به‌عنوان مقدمه، طهارة و صلاة.

در کتاب «امل الامل» از رساله‌های دیگر شیخ یوسف، سخن به میان آمده؛ اما نام و نشانی از آن‌ها یافت نشد. وی در سال ۱۰۹۰ ق زنده بود و قولی دالّ بر زنده‌بودن او تا قرن دوازدهم نیز وجود دارد.^{۹۷} توجه این عالم حویزی به حدیث آن‌چنان است که از آخرین تولید حدیثی جامع آن دوره یعنی وسائل الشیعه غافل نشده و حجاب معاصرت مانع از شرح و تبیین این اثر حدیثی توسط وی نشد.

۹۴. ن. ک: همان، ج ۲۴، ص ۱۴۰.

۹۵. امل الامل، ج ۲، ص ۳۵۱.

۹۶. ن. ک: همان، ج ۱۳، ص ۱۵۱.

۹۷. ن. ک: موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، ص ۴۶۰.

۸. شیخ فرج‌الله بن محمد بن درویش حویزی

نام او احمد بن درویش بن محمد بن حسین بن کمال‌الدین بن اکبر مجرد جبلی حویزی حائری است. وی در سال ۱۰۳۱ق در هویزه متولد شد و اصالتی لبنانی دارد.^{۹۸} شیخ حرّ عاملی درباره او می‌نویسد:

فاضلٌ، مُحَقِّقٌ، ماهرٌ، شاعرٌ، أديبٌ، مُعاصرٌ، لَهُ مَوْلَافَاتٌ كَثِيرَةٌ...^{۹۹}

اما صاحب «ریاض العلماء» این اوصاف را تأیید نکرده و چنین می‌نویسد:

مِنَ أَجَلَّةِ الْمَعْدُودِينَ بِسِمَةِ الْفَضِيلَةِ وَالْعِلْمِ وَلَكِنْ لَيْسَ كَمَا يُقَالُ
وَ هُوَ مِنَ الْمُعَاصِرِينَ.^{۱۰۰}

او جزو بزرگانی است که موصوف به فضیلت و علم شمرده شده؛ اما آن‌گونه که گفته می‌شود نیست. او از معاصران است.

عجیب است که میرزای افندی پس از این عبارت، در دو صفحه به ذکر آثار علمی شیخ فرج‌الله پرداخته و برخی جزئیات آن را بیان می‌کند. فهرست آثار وی چنین است:

المناسك الشاهوردية،^{۱۰۱} ایجاز المقال فی معرفة الرجال،^{۱۰۲} تاریخ کبیر،^{۱۰۳} تذکرة عنوان الشرف،^{۱۰۴} تفسیر المولی فرج‌الله،^{۱۰۵} دیوان الشیخ فرج‌الله،^{۱۰۶} شرح تشریح الافلاک،^{۱۰۷} شرح خلاصة الحساب،^{۱۰۸} شرف العنوان لاهل هذا الزمان،^{۱۰۹} الصّفوة،^{۱۱۰} الغایة،^{۱۱۱} قید الغایة (شرح الغایة)،^{۱۱۲} کتاب الحساب،^{۱۱۳} کتاب فی الکلام (فاروق الحق فی بیان الفرق)،^{۱۱۴} المرقعة،^{۱۱۵} منظومة التلخیص المفتاح تفتازانی.^{۱۱۶}

۹۸. ن. کنه اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۲۸۸.

۹۹. امل الأمل، ج ۲، ص ۲۱۵.

۱۰۰. ج ۴، ص ۳۳۷.

۱۰۱. کنه الذریعة، ج ۲۲، ص ۲۷۶.

۱۰۲. کنه همان، ج ۲، ص ۴۸۷.

۱۰۳. کنه اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۳۹۶.

۱۰۴. کنه الذریعة، ج ۸، ص ۱۴.

۱۰۵. کنه همان، ج ۴، ص ۳۰۰.

۱۰۶. کنه همان، ج ۹، ص ۸۱۸.

۱۰۷. کنه همان، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

۱۰۸. کنه همان، ج ۱۳، ص ۲۳۲.

۱۰۹. کنه همان، ج ۱۴، ص ۱۸۰.

۱۱۰. کنه همان، ج ۱۵، ص ۴۸.

۱۱۱. کنه همان، ج ۱۶، ص ۴.

۱۱۲. کنه همان، ج ۱۷، ص ۲۲۴.

۱۱۳. کنه همان، ج ۷، ص ۷.

۱۱۴. کنه همان، ج ۱۸، ص ۱۰۸.

۱۱۵. کنه همان، ج ۲۰، ص ۳۱۴.

۱۱۶. کنه همان، ج ۲۴، ص ۲۱۵.

در منابع، اشاره‌ای به نام اساتید او نشده؛ اما محدث جزایری از شاگردان وی محسوب می‌شود؛ چراکه شیخ فرج‌الله در ترجمه سید چنین می‌نویسد:

نِعْمَةُ اللَّهِ الْحُسَيْنِي الْجَزَائِرِي لَنَا عَلَيْهِ يَدُ تَرْبِيَةٍ وَ هُوَ عَالِمٌ جَلِيلٌ
الْقَدْر. ۱۱۷

نعمت الله حسینی جزایری که ما در تربیت او دستی داشته‌ایم و او عالمی جلیل القدر است.

در تاریخ وفات شیخ فرج‌الله اختلافاتی وجود دارد که ظاهراً سال ۱۱۰۰ ق صحیح‌تر است. ۱۱۸ با توجه به اطلاعاتی که از محتوای کتاب‌های شیخ فرج‌الله در دسترس است می‌توان به تلاش حدیثی او در کتاب‌های «شرف العنوان» و «ایجاز المقال فی معرفة الرجال» اشاره کرد.

۹. شیخ فتح‌الله بن علوان کعبی دورقی

فتح‌الله ملقب به جمال‌الدین، فرزند شیخ علوان بن شیخ بشاره بن شیخ محمد بن شیخ عبدالحسین کعبی از عالمان و ادیبان بزرگ عصر مشعشعیان است که در سال ۱۰۵۳ ق در قبان ۱۱۹ متولد شد. سید عبدالله جزایری در «الاجازة الکبيرة» در توصیف شخصیت علمی او می‌نویسد:

او عالم و ادیبی باوقار بود که تصنیفات نیکویی داشت. ذهن او در فنون معقول و منقول مانند چشمه‌ای جوشان بود. ۱۲۰

وی پس از فراگیری مقدمات در محضر پدرش، در سال ۱۰۷۹ ق برای ادامه تحصیل به شیراز رفت و در مدرسه منصوریه و لطیفیه از محضر درس اساتید بزرگی چون سید نعمت‌الله جزایری بهره برد. سپس برای تصدی قضاوت به بصره رفته و پس از مدتی این منصب را مخلص به دینش یافت و آن را رها کرده، به زادگاهش بازگشت. وی در سال ۱۱۳۰ ق وفات یافت. دیگر اساتید وی عبارتند از پدرش، شیخ علوان کعبی، شیخ احمد مدنی، حسن بن محمد جزایری، عبد بن عبدالحسین جزایری، سید عزیز جزایری، میرزا علی‌رضا و شاه ابو الولی بن محمد هادی حسینی شیرازی. ۱۲۱ او همچنین از مرحوم ابی الحسن بن محمد طاهر فتونی عاملی نجفی روایت نقل کرده است. ۱۲۲ از میان شاگردان

۱۱۷. میراث حدیث شیعه، ج ۸، ص ۴۸۰ (به نقل از ایجاز المقال شیخ فرج‌الله).

۱۱۸. ن. کة الذریعة، ج ۸، ص ۴۸۷.

۱۱۹. یکی از مناطق دورق (شادگان) بود.

۱۲۰. ص ۱۵۷.

۱۲۱. شیخ فتح‌الله دورقی علم درایة الحدیث و رجال را نزد وی فرا گرفت.

۱۲۲. ن. کة تحقیق الاجازة الکبيرة به نقل از یاقوت الازرق، ص ۱۵۹.

شیخ فتح‌الله دروقی در منطقه هویزه می‌توان به سید ابراهیم بن سید علی موسوی دورقی اشاره کرد.^{۱۲۳} همچنین وی برای مهدی قلی خان بن محمد باقر سلطان که والی دورق بوده اجازه نقل از کتاب «تحفة الاخوان» خود را صادر کرد.^{۱۲۴}

شیخ فتح‌الله دارای تالیفات فراوانی است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

الإجادة فی شرح القلادة،^{۱۲۵} تجوید القرآن،^{۱۲۶} تحفة الاخوان،^{۱۲۷} الدرر البهية فی شرح الاجرومية،^{۱۲۸} رسالة فی العروض،^{۱۲۹} رسالة فی القرائة،^{۱۳۰} زاد المسافر و تهنئة المقيم و الحاضر،^{۱۳۱} سبب الحلف و الحلافة،^{۱۳۲} شرح الفتوحات المنطقية،^{۱۳۳} شرح زاد المسافر،^{۱۳۴} شرح شواهد قطر الندی،^{۱۳۵} الفتوحات المنطقية،^{۱۳۶} نظام الفصول فی شرح نهج الوصول الی علم الاصول.^{۱۳۷}

بیشتر تألیفات شیخ فتح‌الله در ادبیات و منطق است. کتاب تاریخی وی با عنوان «زاد المسافر» درباره فتح بصره به دلیل نزدیکی نویسنده با قضیه سقوط بصره، از نظر تاریخی مورد توجه است.^{۱۳۸} از آثار او کمتر می‌توان شخصیت حدیثی وی را به دست آورد؛ در حالی که او از محضر اساتیدی مانند محدث جزایری، شاه ابوالولی و پدرش، شیخ علوان استفاده و به فراگیری حدیث اشتغال داشت. مهم‌ترین اثر حدیثی وی، «تحفة الاخوان» است که شرح روایت امام رضا علیه السلام در موضوع نماز بوده و راوی آن رجاء بن ابی ضحاک می‌باشد. در کنار این نگاشته شرح الحدیثی، تحصیل در شیراز به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تفکر نص‌گرایی آن دوره و رد و بدل کردن اجازات حدیثی توسط شیخ فتح‌الله نیز قابل توجه است.

۱۲۳. ن. كنه الاجازة الكبيرة، ص ۱۲۰.
۱۲۴. ن. كنه الذريعة، ج ۳، ص ۴۱۶.
۱۲۵. ن. كنه همان، ج ۱، ص ۱۲۱.
۱۲۶. ن. كنه همان، ج ۳، ص ۳۷۳.
۱۲۷. ن. كنه همان، ج ۳، ص ۴۱۶.
۱۲۸. ن. كنه همان، ج ۸، ص ۱۲۰.
۱۲۹. ن. كنه همان، ج ۱۵، ص ۲۵۶.
۱۳۰. ن. كنه مستدرکات اعيان الشيعة، ج ۳، ص ۱۶۲.
۱۳۱. ن. كنه الذريعة، ج ۱۲، ص ۸.
۱۳۲. ن. كنه همان، ج ۱۲، ص ۱۲۶.
۱۳۳. ن. كنه همان، ج ۱۳، ص ۳۷۸.
۱۳۴. ن. كنه همان، ج ۱۲، ص ۸.
۱۳۵. ن. كنه همان، ج ۱۳، ص ۳۳۹.
۱۳۶. ن. كنه همان، ج ۱۶، ص ۱۱۸.
۱۳۷. ن. كنه همان، ج ۲۴، ص ۴۲۶.
۱۳۸. بصره در سال ۱۰۷۸ق توسط عثمانی‌ها فتح شد و شیخ فتح‌الله حوادث آن را در کتاب زاد المسافر ذکر می‌کند. این کتاب در بصره به چاپ رسید. (ن. كنه همان، ج ۱۲، ص ۸)

۱۰. شیخ علی بن حسین جامعی

علی بن حسین بن محی‌الدین بن عبداللطیف بن علی بن احمد بن ابی جامع عاملی یکی از عالمان بزرگ خاندان ابی جامع است که در خلف‌آباد ساکن بود.^{۱۳۹} شهید صدر ذیل معرفی کتاب تفسیر شیخ علی، درباره جایگاه علمی او می‌نویسد:

وَ هَذَا التَّفْسِيرُ الْوَجِيزُ يَدُلُّ عَلَى تَمَامِ فَضْلِ صَاحِبِهِ وَ طَوْلِ بَاعِهِ
فِي الْعُلُومِ جَمِيعًا، وَ لَيْتَهُ يُطَبِّعُ لِنَفْتَحَرَ بِهِ الْإِمَامِيَّةَ.^{۱۴۰}

و این تفسیر «الوجیز» بر کمال فضیلت و تسلط صاحبش در همه علوم دلالت دارد و خوب است چاپ شود تا امامیه به آن افتخار کند.

شیخ علی از استاد خود سید نعمت‌الله الجزائری (م ۱۱۱۲ق) روایت می‌کند و طریق روایت خود را از پدرش، شیخ حسین بن محی‌الدین به محقق کرکی می‌رساند. دو برادر او به نام‌های شیخ حسن (م ۱۱۳۱ق) و محی‌الدین از وی نقل روایت کردند. همچنین شیخ جعفر بن عبدالله خلف‌آبادی در سال ۱۱۰۷ق از وی اجازه روایت گرفت. تاریخ وفات او سال ۱۱۴۶ق است که در جنوب ایران و عراق به «سنة طاعون» شهرت دارد. در این حادثه، شیخ علی و بیشتر فرزندان او بر اثر ابتلا به این بیماری فوت کردند.^{۱۴۱} تعدادی از آثار برجای مانده او چنین است:

الاربعون حدیثاً،^{۱۴۲} الارث،^{۱۴۳} ارجوزة فی المنطق،^{۱۴۴} ارشاد المتعلم الی الطریق فی المنطق،^{۱۴۵}
الافادة السنّیة فی مهمّ الصلوات الیومیة،^{۱۴۶} تحفة المبتدیء فی المنطق،^{۱۴۷} توفیق السائل علی دلائل
المسائل،^{۱۴۸} رساله فی النسبة و أنّها ثلاثیة او رباعیة،^{۱۴۹} شرح الاربعین حدیثاً فی الطهارة،^{۱۵۰} شرح تحفة

۱۳۹. ن. کنه موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۲۱۸.

۱۴۰. تکملة امل الأمل، ص ۹۲.

۱۴۱. ن. کنه موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۲۱۸.

۱۴۲. ن. کنه الذریعة، ج ۱، ص ۴۲۲.

۱۴۳. ن. کنه همان، ج ۱، ص ۴۶۶.

۱۴۴. ن. کنه همان، ج ۱، ص ۴۹۹.

۱۴۵. ن. کنه همان، ج ۱، ص ۵۱۸.

۱۴۶. ن. کنه همان، ج ۲، ص ۲۵۴.

۱۴۷. ن. کنه همان، ج ۳، ص ۴۶۴.

۱۴۸. ن. کنه همان، ج ۴، ص ۵۰۱.

۱۴۹. ن. کنه همان، ج ۲۴، ص ۱۴۶.

۱۵۰. ن. کنه موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۲۱۹.

المبتدیء،^{۱۵۱} شرح حاشیة التَّهذیب،^{۱۵۲} منظومة فی اصول الفقه (وصلة الوصول)،^{۱۵۳} منظومة فی النّحو،^{۱۵۴} منظومة فی الهیئة (تبصرة المبتدیء)،^{۱۵۵} الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز.^{۱۵۶}

بیشتر آثار وی فقهی، ادبی و منطقی است. استمرار جریان علمی و حدیثی در خاندان جامعی و قرارگرفتن در مسیر تبادل اجازات حدیثی در کنار تألیف کتاب‌های «الاربعون حدیثا» و «شرح الاربعون حدیثا فی الطَّهارة» جلوه‌هایی از فعالیت حدیثی این عالم هویزی به شمار می‌رود.

۱۱. شیخ یعقوب بن ابراهیم بختیاری حویزی

او از عالمان بزرگ و پرتألیف هویزه است که مورد احترام و مراجعه مردم و متصدی افتا بود. شیخ یعقوب، افزون بر قضاء، افتا و تألیف، در هویزه مجالس درس داشت که درس فقه و تفسیر او معروف بود و امثال سید عبدالله جزایری، نوه محدث جزایری در آن شرکت می‌کردند. وی مدتی را در شیراز به تحصیل مشغول بود و سید عبدالله جزایری درباره‌اش می‌نویسد:

كَانَ فَاضِلًا مُتَبَخِّرًا فِي الْعُلُومِ الْعَرَبِيَّةِ وَالْفِقْهِ وَالْحَدِيثِ. قَرَأَ عَلَيَّ
جَدِّي فِي شِيرَازَ ثُمَّ فِي تُسْتَر. ^{۱۵۷}

فاضل و متبخّر در علوم عربی (ادبیات)، فقه و حدیث بود. در شیراز و شوشتر در محضر جَدِّم (محدث جزایری) قرائت کرده است.

بر این اساس محدث جزایری را می‌توان یکی از اساتید شیخ یعقوب دانست. همچنین پدر همسر او شیخ عبدالله بن ناصر حویزی همیلی یکی دیگر از اساتید اوست.^{۱۵۸} سید عبدالله جزایری از شاگردان شیخ یعقوب است؛ اما درباره استاد خود می‌نویسد:

كَانَ عَجُولًا فِي الْقَضَاءِ وَالْإِفْتَاءِ كَثِيرَ التَّعْوِيلِ عَلَى الرِّوَايَاتِ الشَّادَّةِ
مُنْتَوِسِعًا فِي الْأَحْكَامِ وَ لِذَلِكَ تَرَكَتْ مُصَنَّفَاتِهِ الْفِقْهِيَّة. ^{۱۵۹}

در قضاوت و فتوادادن عجله می‌کرد و بر روایات شاذ، بسیار اعتماد می‌نمود. در احکام، باز عمل می‌کرد و به همین خاطر، کتاب‌های فقهی او را کنار گذاشتم.

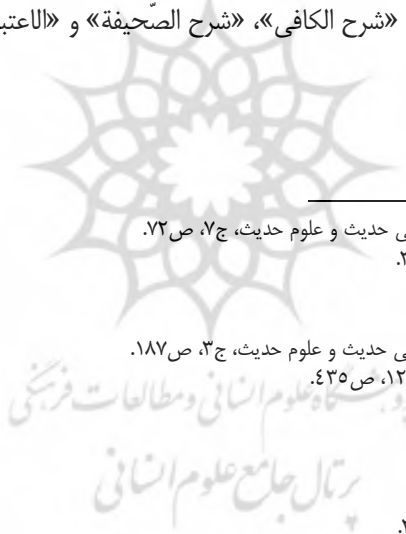
- ۱۵۱. ن. كنه الدرعية، ج ۱۳، ص ۱۴۳.
- ۱۵۲. ن. كنه همان، ج ۱۳، ص ۱۸۰.
- ۱۵۳. ن. كنه همان، ج ۲۳، ص ۸۳.
- ۱۵۴. ن. كنه همان، ج ۲۳، ص ۱۴۱.
- ۱۵۵. ن. كنه همان، ج ۲۳، ص ۱۴۷.
- ۱۵۶. ن. كنه همان، ج ۲۵، ص ۴۴.
- ۱۵۷. الاجازة الكبيرة، ص ۱۹۲.
- ۱۵۸. ن. كنه الاجازة الكبيرة، ص ۱۵۰.
- ۱۵۹. الاجازة الكبيرة، ص ۱۹۲.

سید عبدالله که به مجلس درس استاد می‌رفت پس از مدتی به خاطر رعایت احتیاط، نظرات فقهی استاد را کنار گذاشت. تألیفات متعدّد شیخ یعقوب عبارت است از:

الاحادیث القدسیة (الفرائد یعقوبیة)،^{۱۶۰} الاربعون حدیثاً،^{۱۶۱} الاعتبار فی اختصار الاستبصار،^{۱۶۲} تجوید القرآن،^{۱۶۳} تعقیب التّهذیب،^{۱۶۴} حاشیه بر رساله الفیه (شهید اول)،^{۱۶۵} حاشیه بر کنز العرفان فی فقه القرآن (فاضل مقداد)،^{۱۶۶} حاشیه علی مغنی اللیب،^{۱۶۷} حاشیه بر حاشیه تهذیب المنطق،^{۱۶۸} الخرائد،^{۱۶۹} الخمائل،^{۱۷۰} الرسالة الصلّاتیة،^{۱۷۱} شرح الزبده،^{۱۷۲} شرح الشرائع،^{۱۷۳} شرح الصحیفة،^{۱۷۴} شرح الکافی،^{۱۷۵} صوافی الصافی،^{۱۷۶} الفوائد فی الاخبار،^{۱۷۷} لطائف الافهام،^{۱۷۸} النور الساطع.^{۱۷۹}

نسخه‌ای از «خلاصة الاقوال» نیز به خط شیخ یعقوب در سال ۱۰۹۵ ق موجود است.^{۱۸۰} وی از معمرین بود و حدود سال ۱۱۵۰ ق در هویزه وفات یافت.^{۱۸۱}

بخشی از شخصیت علمی شیخ یعقوب با حدیث و علوم حدیث، عجین شده که تحصیل در شیراز، درک محضر بزرگانی چون محدث جزایری، تدریس و تألیف آثاری مانند «الاربعون حدیثاً»، «الاحادیث القدسیة»، «الفوائد فی الاخبار»، «شرح الکافی»، «شرح الصحیفة» و «الاعتبار فی اختصار الاستبصار» جلوه‌های آن است.



- ۱۶۰. ن. ک: فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث، ج ۷، ص ۷۲.
- ۱۶۱. ن. ک: نابغه فقه و حدیث، ص ۳۳۳.
- ۱۶۲. ن. ک: الذریعة، ج ۲، ص ۲۲۲.
- ۱۶۳. ن. ک: همان، ج ۳، ص ۳۷۴.
- ۱۶۴. ن. ک: فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث، ج ۳، ص ۱۸۷.
- ۱۶۵. ن. ک: موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۴۳۵.
- ۱۶۶. ن. ک: همان.
- ۱۶۷. ن. ک: الذریعة، ج ۶، ص ۲۱۲.
- ۱۶۸. ن. ک: همان، ج ۶، ص ۶۰.
- ۱۶۹. ن. ک: همان، ج ۷، ص ۱۴۳.
- ۱۷۰. ن. ک: نابغه فقه و حدیث، ص ۳۳۳.
- ۱۷۱. ن. ک: موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۴۳۵.
- ۱۷۲. ن. ک: الذریعة، ج ۱۳، ص ۳۰۲.
- ۱۷۳. ن. ک: همان، ج ۱۳، ص ۳۳۲.
- ۱۷۴. ن. ک: همان، ج ۱۳، ص ۳۵۹.
- ۱۷۵. ن. ک: همان، ج ۱۴، ص ۲۸.
- ۱۷۶. ن. ک: همان، ج ۱۵، ص ۹۵.
- ۱۷۷. ن. ک: همان، ج ۱۶، ص ۳۲۲.
- ۱۷۸. ن. ک: موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۴۳۵.
- ۱۷۹. ن. ک: الذریعة، ج ۲۴، ص ۳۷۰.
- ۱۸۰. ن. ک: الکواکب المنتشرة، ص ۳۵۷.
- ۱۸۱. ن. ک: الاجازة الکبیرة، ص ۱۹۲.

۱۲. سید عبدالله بن نورالدین بن نعمت‌الله جزایری

او نوه محدث جزایری است که دوران ابتدای تحصیل را در شوشتر از محضر پدر خود، سید نورالدین بهره برد و سپس تا پایان عمر پدرش، کتاب‌های فراوانی مانند الکافی، استبصار، صحیفه سجادیه و نهج البلاغه را بر او قرائت کرد. سید عبدالله افزون بر پدر، از سید نصرالله حائری، اجازه نقل روایت دارد. همچنین نام حدود ۳۰ نفر از عالمان شوشتر، هویزه و دورق در میان استادان او به چشم می‌خورد. از میان شاگردان سید، می‌توان به شیخ ابراهیم بن عبدالله بن کرم‌الله حویزی، شیخ ابراهیم بن عبدالله بن ناصر همیلی حویزی و شیخ محمد بن کرم‌الله حویزی اشاره کرد. وی در اجازه مفصلی که برای چند تن از عالمان حویزی صادر کرده، طریق روایی خود را از سید محمد حسین خاتون‌آبادی تا علامه مجلسی و در نهایت به شیخ طوسی متصل می‌کند.^{۱۸۲} سید عبدالله، دارای تألیفات فراوانی است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

الاجازة الكبيرة،^{۱۸۳} الانوار الجلیلة،^{۱۸۴} التحفة السنیة فی شرح النخبة المحسنية،^{۱۸۵} التحفة النوریة،^{۱۸۶} تذكرة شوشتر فی تاریخ التستر،^{۱۸۷} تذیل سلافة العصر،^{۱۸۸} ترجمة هدية المؤمنین،^{۱۸۹} حاشیه بر اربعین شیخ بهایی،^{۱۹۰} حاشیه بر مقدمات الوافی،^{۱۹۱} حواشی غیر مدوّنۀ،^{۱۹۲} ختام الکلام فی شرح مفاتیح الاحکام،^{۱۹۳} الذخر الرائع فی شرح مفاتیح الشرائع،^{۱۹۴} الذخيرة الابدیة فی جوابات المسائل الاحمدیة،^{۱۹۵} رسالة صحّة صلاة مستصحّب الذهب المستور فی الکمّ و نحوه،^{۱۹۶} رسالة فی قبله تستر و ما والاها،^{۱۹۷} رسالة فی الرّمّل،^{۱۹۸} رسالة فی مال الناصب و أنّه کلّ مخالف ناصباً،^{۱۹۹} رسالة مختصرة فی النحو،^{۲۰۰}

۱۸۲. ن. کنه الاجازة الكبيرة، ص ۱۰۳.

۱۸۳. این کتاب با تحقیق محمد سمای الحائری توسط کتابخانه آیت الله مرعشی قم چاپ شد.

۱۸۴. ن. کنه الاجازة الكبيرة، ص ۵۴.

۱۸۵. ن. کنه همان، ص ۵۶.

۱۸۶. ن. کنه همان، ص ۵۲.

۱۸۷. ن. کنه الذریعة، ج ۳، ص ۲۴۳.

۱۸۸. ن. کنه الاجازة الكبيرة، ص ۵۵.

۱۸۹. ن. کنه الذریعة، ج ۴، ص ۱۴۷.

۱۹۰. ن. کنه الاجازة الكبيرة، ص ۵۰.

۱۹۱. ن. کنه همان، ص ۵۶.

۱۹۲. ن. کنه همان، ص ۵۶.

۱۹۳. ن. کنه الذریعة، ج ۷، ص ۱۴۰.

۱۹۴. ن. کنه همان، ج ۱۰، ص ۸.

۱۹۵. ن. کنه همان، ج ۱۰، ص ۱۳.

۱۹۶. ن. کنه الاجازة الكبيرة، ص ۵۶.

۱۹۷. ن. کنه الذریعة، ج ۱۷، ص ۴۴.

۱۹۸. ن. کنه الاجازة الكبيرة، ص ۵۳.

۱۹۹. ن. کنه همان، ص ۵۶.

۲۰۰. ن. کنه همان، ص ۵۰.

طلسم سلطانی،^{۲۰۱} کاشفة الحال فی معرفة القبلة و الزوال،^{۲۰۲} لبّ اللباب فی شرح صحیفة الاسطرلاب،^{۲۰۳} اللوح المحفوظ فی شرح دعاء السحر،^{۲۰۴} معترك المقال فی علم الرجال،^{۲۰۵} المقاصد العلیة فی اجوبة المسائل العلیوة،^{۲۰۶} المقفل فی الادعیة و الاحراز،^{۲۰۷} سید عبدالله مدتی را در هویزه سکونت داشته و در برخی از سخنان خود به این مطلب اشاره می‌کند؛ مانند توضیحی که درباره یکی از آثارش در «الاجازة الکبیرة» آورده:

رِسَالَةٌ مَوْسُومَةٌ بِكَاشِفَةِ الْحَالِ فِي مَعْرِفَةِ الْقِبْلَةِ وَالزَّوَالِ، أَلْفَتْهَا فِي الْخُوَيْزِرَةِ بِأَمْرِ وَالِيهَا الْمَرْحُومِ السَّيِّدِ عَلِيِّ بْنِ خَلْفِ بْنِ السَّيِّدِ بْنِ سَيِّدِ مُطَلِّبِ بْنِ الْمَوْسَوِيِّ.^{۲۰۸}

رساله‌ای به نام «کاشفة الحال فی معرفة القبلة و الزوال» که آن را در هویزه به درخواست والی آن شهر یعنی سید علی‌خان بن خلف بن مطلب موسوی نوشتم.

او ذیل ترجمه شیخ عبدالله بن کرم الله حویزی از عالمان ساکن در هویزه می‌نویسد:

وَ كُنْتُ أَكْثَرَ التَّرَدُّدِ إِلَيْهِ وَ أَعْرَضُ مُشْكِلَاتِي عَلَيْهِ.^{۲۰۹}

با او (شیخ عبدالله) فراوان مرادده داشتم و مشکلاتم را با او در میان می‌گذاشتم.

همچنین درباره شیخ علی بن نصرالله حویزی می‌نویسد:

كَانَ عَالِمًا، فَقِيهًا، مُحَدِّثًا... إِجْتَمَعَتْ بِهِ فِي الْخُوَيْزِرَةِ كَثِيرًا وَ اسْتَفَدْتُ مِنْ بَرَكَاتِهِ.^{۲۱۰}

عالم، فقیه، محدث بود... او را در هویزه بسیار ملاقات کردم و از برکاتش استفاده نمودم.

۲۰۱. ن. كنه الذريعة، ج ۱۵، ص ۱۸۷.
 ۲۰۲. ن. كنه الاجازة الكبيرة، ص ۵۳.
 ۲۰۳. ن. كنه الذريعة، ج ۱۸، ص ۳۹۰.
 ۲۰۴. ن. كنه همان، ج ۱۸، ص ۳۷۶.
 ۲۰۵. ن. كنه همان، ج ۲۱، ص ۲۱۰.
 ۲۰۶. ن. كنه همان، ج ۲۱، ص ۳۸۲.
 ۲۰۷. ن. كنه الذريعة، ج ۲۲، ص ۱۱۸.
 ۲۰۸. ص ۵۲.
 ۲۰۹. الاجازة الكبيرة، ص ۱۴۹.
 ۲۱۰. همان، ص ۱۵۵.

ذیل عنوان شیخ اسکندر بن جمال الدین جزایری می‌نویسد:

رَأَيْتُهُ فِي الدَّوْرُقِ ثُمَّ فِي الْحُوَيْزَةِ ... وَ اسْتَفَدْتُ مِنْهُ كَثِيرًا. ۲۱۱

او (شیخ اسکندر) را در دورق و سپس در هویزه دیدم ... و از او بهره فراوان بردم.

همچنین در ترجمه شیخ عبدالحسین قاری حویزی می‌نویسد:

كَانَ عَالِمًا، زَاهِدًا، قَانِعًا، مُتَعَفِّفًا، قَلِيلَ التَّرَدُّدِ إِلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، لَهُ كِتَابٌ فِي الْفِقْهِ وَ كَانَ أَعْرَفَ أَهْلِ زَمَانِهِ بِالتَّجْوِيدِ وَ أَحَدَفَهُمْ فِيهِ عِلْمًا وَ عَمَلًا وَ رَأَيْتُهُ فِي الْحُوَيْزَةِ مِرَارًا كَثِيرَةً وَ اسْتَفَدْتُ مِنْهُ. ۲۱۲

عالم، زاهد، قانع و عقیف بود و با اهل دنیا کمتر مراوده داشت. کتابی در فقه داشت و در تجوید داناترین مردم زمانش بود و ماهرترین مردم در علم و کاربست تجوید بود. بارها او را در هویزه ملاقات کرده و از وی بهره بردم.

سید عبدالله، درباره استفاده از محضر شیخ عبدالله بن ناصر حویزی همیلی می‌نویسد:

اجْتَمَعْتُ بِهِ فِي الدَّوْرُقِ وَ كَانَ مُدْرِسًا فِي مَدْرَسَتِهَا ثُمَّ فِي الْحُوَيْزَةِ ثُمَّ فِي التُّسْتَرِ وَ اسْتَفَدْتُ مِنْهُ. ۲۱۳

با او (شیخ عبدالله بن ناصر) در دورق ملاقات داشتیم و او از مدرّسین مدرسه دورق بود. سپس در هویزه و بعد در شوشتر از محضرش بهره بردم.

از تعابیر ارائه‌شده می‌توان دریافت که سید عبدالله، بخشی از دوره حیات و فعالیت علمی‌اش را در هویزه گذرانده است. همچنین از بین حدود ۳۰ نفر از اساتید وی، ۱۰ نفرشان حویزی هستند. ۲۱۴ سید عبدالله در سال ۱۱۷۳ ق در شوشتر وفات یافت و در کنار قبر پدرش، سید نورالدین در مجاورت مسجد جامع شوشتر به خاک سپرده شد.

۲۱۱. همان، ص ۱۲۸.

۲۱۲. همان، ص ۱۴۳.

۲۱۳. همان، ص ۱۵۰.

۲۱۴. ن. ک: همان (مقدمه محقق)، ص ۳۲.

افزون بر تبادل اجازات متعدّد، فعالیت‌های مکتوب حدیثی وی را می‌توان در «حاشیه بر اربعین بهایی»، «حاشیه بر مقدّمات وافی»، «مال النَّاصب»، «اللّوْح المحفوظ»، «المقفل»، «معتزک المقال»، «الاجازة الکبيرة» و حاشیه‌های غیر مدوّن بر کتاب‌های حدیثی، مشاهده کرد.

۱۳. سید شبر بن محمّد موسوی مشعشی حویزی

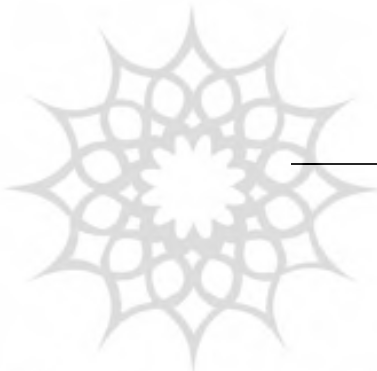
شبر بن محمّد بن ثنّان بن عبدالواحد بن احمد از سادات مشعشی است که در امور حکومت وارد نشد و در عرصه علمی، تلاش بسیاری داشت و یکی از عالم‌ترین کسان از خاندان مشعش است. وی را محدث موسوی نیز خوانده‌اند. او در ربیع الاول سال ۱۱۲۲ق در هویزه متولّد شد و در همان جا رشد علمی خود را آغاز کرد. پس از مدتی به نجف اشرف رفت و در آن‌جا ساکن شد. او تبخّر فراوانی در فقه، حدیث، انساب، رجال و برخی علوم دیگر داشت.^{۲۱۵}

از میان اساتیدش می‌توان به شیخ یوسف بحرانی اشاره کرد.^{۲۱۶} همچنین وی از عالمان بزرگی مانند مولی ابی الحسن شریف فتونی،^{۲۱۷} سید رضی‌الدین بن محمّد بن علی بن حیدر موسوی عاملی مکی^{۲۱۸} و سید نصرالله حائری^{۲۱۹} اجازه نقل روایت گرفت. احمد بن محمّد نجفی از شاگردان اوست.

سید شبر در زمان حضورش در نجف، علیه عثمانی‌ها قیام کرد. وی از قبایل عرب منطقه، نیرو جذب کرد و لشکر او ۱۰۰۰۰ نیروی جنگی داشت. سوگ‌مندان سپاه او متلاشی شد و سید، اسیر و به بغداد منتقل گردید. پس از مدتی بخشیده و به نجف بازگردانده شد. وی پس از این جریان در تدریس و تألیف متمرکز و از امور اجتماعی و سیاسی کناره‌گیری کرد.^{۲۲۰} او دارای بیش از ۳۰ اثر علمی بود که عبارت است از:

۲۱۵. ن. کذ الذریعة، ج ۲، ص ۲۱۸؛ اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۳۳۰.
 ۲۱۶. ن. کذ الذریعة، ج ۱۱، ص ۱۴۴.
 ۲۱۷. ن. کذ همان.
 ۲۱۸. ن. کذ اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۳۳۰.
 ۲۱۹. ن. کذ الاجازة الکبيرة، ص ۸۳.
 ۲۲۰. ن. کذ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۱۴۱.

الاطعمة و الاشربة، ٢٢١ ترجمة السيد محمد بن فلاح مشعشى، ٢٢٢ تنبيه الكرام، ٢٢٣ الجزيرة الخضراء، ٢٢٤ الجمع بين الفاطميتين، ٢٢٥ جنة البرية فى احكام التقيّة (نخبة الامامية فى احكام التقيّة)، ٢٢٦ حاشيه بر بحار الانوار، ٢٢٧ حاشيه بر مجمع البحرين، ٢٢٨ حرمة التمتع بالفاطميات، ٢٢٩ حواشى من لا يحضره الامام، ٢٣٠ خوابنامه (تعبير الرؤيا)، ٢٣١ رسالة فى اثبات تحريم الاذان الثالث يوم الجمعة، ٢٣٢ رسالة فى احكام النيات، ٢٣٣ رسالة فى اذان العصر يوم الجمعة و أنه ليس حراما، ٢٣٤ رسالة فى اربعين حديثا، ٢٣٥ رسالة فى الاطعمة و الاشربة المباحة، ٢٣٦ رسالة فى الخمس، ٢٣٧ رسالة فى الشهور الرومية، ٢٣٨ رسالة فى ان نية السرّ سيئة، ٢٣٩ رسالة فى ترجيح السكوت على الكلام، ٢٤٠ رسالة فى حكم العمل بغير علم، ٢٤١ رسالة فى عدد قنوت صلاة العيدين، ٢٤٢ رسالة فى عدم التوكيل فى الاستخارة، ٢٤٣ رسالة فى نسب السيد على خان المشعشى (الذخيرة فى العقبى فى مودة ذوى القربى)، ٢٤٤ شرب الدخان من



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی جامع علوم انسانی

٢٢١. ن. كنه الذريعة، ج ٢، ص ٢١٨.
٢٢٢. ن. كنه همان، ج ٢٤، ص ١٦٥.
٢٢٣. ن. كنه همان، ج ٤، ص ٤٤٨.
٢٢٤. ن. كنه همان، ج ٥، ص ١٠٥.
٢٢٥. ن. كنه همان، ص ١٣٧.
٢٢٦. ن. كنه همان، ص ١٥٧.
٢٢٧. ن. كنه همان، ج ٣، ص ٢٤.
٢٢٨. ن. كنه همان، ج ٢٤، ص ٩٦.
٢٢٩. ن. كنه همان، ج ٦، ص ٣٩٥.
٢٣٠. ن. كنه همان، ج ٧، ص ١١١.
٢٣١. ن. كنه همان، ص ٢٦٧.
٢٣٢. ن. كنه موسوعة طبقات الفقهاء، ج ١٢، ص ١٤١.
٢٣٣. ن. كنه همان.
٢٣٤. ن. كنه الذريعة، ج ١١، ص ٤٨.
٢٣٥. ن. كنه همان، ص ٥٢.
٢٣٦. ن. كنه همان، ص ٩١.
٢٣٧. ن. كنه موسوعة طبقات الفقهاء، ج ١٢، ص ١٤١.
٢٣٨. ن. كنه الذريعة، ج ١٤، ص ٢٦٣.
٢٣٩. ن. كنه همان، ج ٢٤، ص ٤٤١.
٢٤٠. ن. كنه همان، ج ١١، ص ١٤٥.
٢٤١. ن. كنه موسوعة طبقات الفقهاء، ج ١٢، ص ١٤١.
٢٤٢. ن. كنه الذريعة، ج ١٥، ص ٢٣٢.
٢٤٣. ن. كنه همان، ص ٢٣٦.
٢٤٤. ن. كنه همان، ج ٢٤، ص ١٤١ و ج ١٠، ص ١١.

نزعات الشیطان،^{۲۴۵} صفوة المرام من مدارك الاحكام،^{۲۴۶} فهرست کلیات الطب،^{۲۴۷} القصر و الاتمام،^{۲۴۸} كشف الغمة فی کیفیة الغنیمة،^{۲۴۹} كنز السعادة،^{۲۵۰} مختصر رجال المجلسی،^{۲۵۱} و جوب غسل الجمعة،^{۲۵۲}

سرگذشت نامه‌ای برای سید شبر با عنوان «رسالة فی ترجمة السيد شبر» نوشته شده که نویسنده آن مشخص نیست؛ اما آقا بزرگ احتمال می‌دهد که نویسنده از شاگردان سید باشد. تاریخ تألیف این کتاب، بنا بر تصریح نویسنده ۱۱۷۳ق است که در سه باب تنظیم شده: باب اول درباره نسب سید شبر و والیان حویزی متصل به او، نسب سید علی‌خان، نسب سید خلف مشعشی، نسب سید محمد بن فلاح مشعشی و احوال ایشان است. اتهامات و شبهاتی درباره سید شبر وجود دارد که در خاتمه باب اول به آن پاسخ داده شده؛ مانند رسیدن به درجات کمال علمی در زمان کوتاه و بدون استاد، قدح وی توسط برخی از عالمان و تقرب به حاکمان و رابطه با آنها. باب دوم درباره اخلاق، علمیت، آثار و مشایخ سید شبر است. باب سوم مربوط به اشعاری است که نویسنده و دیگران در مدح سید شبر حویزی سروده‌اند. نکاتی هم در حاشیه نسخه به خط خود سید شبر وجود دارد. حجم این کتاب، حدود ۵۰۰۰ سطر است.^{۲۵۳}

تاریخ وفات او مورد اختلاف است. در برخی منابع، حدود سال ۱۱۹۰ق را ذکر کرده‌اند؛^{۲۵۴} اما سید محسن امین در «ایان الشیعة» به تاریخ ۱۱۷۸ق تصریح می‌کند.^{۲۵۵} سید شبر در حجره‌ای به نام خودش در صحن حرم امیر مؤمنان علیه السلام مدفون است.

افزون بر اجازات و دیگر فعالیت‌های حدیثی سید شبر، می‌توان به آثار حدیثی او مانند «الاطعمة والاشربة»، «حاشیه بر بحار الانوار»، «حاشیه بر مجمع البحرين»، «حواشی من لا یحضره الامام»، «رسالة فی اربعین حدیثا»، «شرب الدخان» و «مختصر رجال المجلسی» اشاره کرد.

۲۴۵. ان. کن: همان، ج ۱۳، ص ۵۳.
 ۲۴۶. ن. کن: همان، ج ۱۵، ص ۵۱.
 ۲۴۷. ن. کن: همان، ج ۱۶، ص ۱۹۴.
 ۲۴۸. ن. کن: همان، ج ۱۷، ص ۱۰۱.
 ۲۴۹. ن. کن: همان، ج ۱۸، ص ۴۹.
 ۲۵۰. ن. کن: همان، ص ۱۵۸.
 ۲۵۱. ن. کن: همان، ج ۲۵، ص ۴۷.
 ۲۵۲. ن. کن: همان، ص ۳۴.
 ۲۵۳. ن. کن: همان، ج ۱۱، ص ۱۴۴.
 ۲۵۴. ن. کن: موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۱۴۱.
 ۲۵۵. ج ۷، ص ۳۳۰.

سیزده عالم یادشده هویزی دارای آثار حدیثی بودند که سوگ‌مندانه بیشتر آنها، چاپ نشده‌اند.

ب) محدثان بدون اثر حدیثی

این بخش به معرفی کسانی اختصاص دارد که در فعالیت‌های حدیثی اعم از تدریس، تحصیل، دریافت و صدور اجازات حدیثی و ... مشارکت داشتند؛ اما بر اساس گزارشات به‌دست‌آمده، شاید نتوان اثر حدیثی مستقلی را به آنان نسبت داد.

۱. عبدحیدر بن محمد جزایری

وی در جزایر متولد شد و رشد کرد. هم‌درس محدث جزایری در شیراز و اصفهان بود. سید نعمت‌الله جزایری درباره او می‌نویسد:

إِنَّهُ عَالِمٌ، فَاضِلٌ، فَفِيهِ، مُحَدِّثٌ، عَارِفٌ بِعُلُومِ النَّحْوِ وَ الْعَرَبِيَّةِ ... وَ كَانَ وَرِعًا، ثِقَّةً، عَابِدًا.^{۲۵۶}

وی پس از دوره تحصیل به زادگاه خود بازگشت اما پس از حمله دولت عثمانی به بصره و جزایر در سال ۱۰۷۸ ق به هویزه گریخت.^{۲۵۷} او از سوی حاکم هویزه که در آن زمان سید علی‌خان بن خلف مشعشی بود، مورد احترام و تکریم قرار گرفت و تا پایان عمر در هویزه ماند و در دهه ۸۰ سال ۱۰۰۰ ق وفات کرد.^{۲۵۸} سوگ‌مندانه از آثار علمی این محدث، یادی نشده است.

۲. شیخ عبدالله بن کرم‌الله حویزی

عبدالله بن کرم‌الله حبیب بن فرج‌الله بن محمد بن درویش حویزی از عالمان بزرگ هویزه بود. سید عبدالله جزائری در «الاجازة الكبيرة» شیخ عبدالله بن کرم‌الله را فاضل، محقق و دارای اخلاق نیکو معرفی کرده که در امر قضاوت و فتوا مورد مراجعه مردم بود. او می‌نویسد:

۲۵۶. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۸۷. (به نقل از تعلیقات سید نعمت‌الله جزایری بر امل الأمل)

۲۵۷. ن. ک: الاجازة الكبيرة، ص ۷۳.

۲۵۸. ن. ک: ریاض العلماء، ج ۳، ص ۸۷.

هیچ‌یک از عالمان، مانند او در مسائل مشکل فتوا نداده و در سال ۱۱۳۱ق به محضر او شرفیاب شده و او را دریایی تمام نشدنی در علم یافتیم.^{۲۵۹}

وی از علامه مجلسی، احمد بن محمد بن یوسف بحرانی و سید ماجد بحرانی اخذ روایت کرده که نام آن‌ها را در ابتدای رساله «الصلواتیه» خود یاد می‌کند.^{۲۶۰} همچنین جناب ابو الحسن بن محمد طاهر فتونی عاملی نجفی، جدّ مادری صاحب جواهر، در اجازه خود برای شیخ عبدالله از وی به بزرگی یاد کرده و اجازه نقل از کتاب‌های خود مانند «شریعة الشیعة» و «مرآة الانوار» را به او داده است.^{۲۶۱} از شاگردان وی می‌توان به برادرزاده و دامادش، شیخ کرم‌الله بن محمد حسن بن حبیب و نیز سید عبدالله جزایری اشاره کرد. کرم‌الله بن محمد حسن درباره استفاده از محضر شیخ عبدالله بن کرم‌الله می‌نویسد:

من با او مراوده فراوان داشته و مشکلاتم را با او در میان می‌گذاشتم. او با من مهربان بود و با ظرافت و نکات ناب، پاسخ مرا می‌داد.^{۲۶۲}

«کتاب الصلاة» و یا «الرسالة الصلواتیه» از آثار اوست که در سال ۱۱۰۷ق برای سید عبدالله خان از حاکمان هویزه تألیف کرد.^{۲۶۳} نویسنده کتاب «ماضی النجف و حاضرها» سال وفات وی را پس از ۱۱۳۱ق و پیش از ۱۱۵۴ق دانسته است.^{۲۶۴} سوگ‌مندانۀ اطلاعی از محتوای کتاب الصلاة و دیگر آثار مکتوب او در دست نیست.

۳. سید احمد بن سید مطلب مشعشعی حویزی

احمد بن سید مطلب بن علی خان بن خلف بن عبدالمطلب، برادر سید علی خان صغیر (م ۱۱۲۸ق) از خاندان والیان مشعشعی است. سید عبدالله جزایری در «الاجازة الکبيرة» او را عالمی باورع و ادیب معرفی کرده که دیوان شعری نیز دارد. وی از شبهات، پرهیز و در کار حکومت برادران و خاندان خود دخالت نکرده و از دریافت هدایا و جوایز آن‌ها نیز خودداری می‌کرد. در نهایت به عتبات رفت و در

۲۵۹. ص ۱۴۸.

۲۶۰. ن. ک: موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۶۵.

۲۶۱. ن. ک: الکواکب المنتشرة، ص ۱۴۵.

۲۶۲. الاجازة الکبيرة، ص ۱۴۹.

۲۶۳. ن. ک: موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۶۵.

۲۶۴. ج ۲، ص ۱۸۴.

همان‌جا وفات کرد.^{۲۶۵} «الاجازة الكبيرة» در سال ۱۱۶۸ ق نگاشته شد و به فوت سید احمد اشاره می‌کند؛ لذا تاریخ وفات وی پیش از این تاریخ بوده است.

سید احمد مشعشعی، کتابی با عنوان «الاسئلة الاحمدية» یا «الرسالة الاحمدية» دارد. این اثر، مشتمل بر چهل سؤال است که برای سید عبدالله جزایری فرستاد و او نیز در پاسخ، کتاب «الذخيرة الابدیة فی جواب المسائل الاحمدية» را در سال ۱۱۵۵ ق نوشت.^{۲۶۶} همچنین وی دارای دیوان شعری با عنوان «دیوان سید احمد» بود.^{۲۶۷}

آقا بزرگ تهرانی نسخه‌ای از کتاب «الآیات الباهرة» را گزارش می‌کند که در سال ۱۱۳۴ ق توسط سید احمد استنساخ شد.^{۲۶۸} از دیگر فعالیت‌های علمی وی می‌توان به استنساخ نسخه «تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة» در سال ۱۱۳۶ ق اشاره کرد. این کتاب، متعلق به سید شرف‌الدین علی حسینی استرآبادی غروی (م ۹۴۰ ق) از شاگردان محقق کرکی است و روایات فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام را که از طریق فریقین ذیل آیات قرآن گزارش شده، گردآوری کرده است.

۴. شیخ اسکندر بن جمال‌الدین جزایری

شیخ اسکندر از عالمان هویزی است که مدتی را در هند بود. سید عبدالله جزایری در «الاجازة الكبيرة» او را عالم، فاضل، محدث و متکلم معرفی می‌کند و از ملاقات با او و استفاده علمی فراوان از وی در دورق و سپس در هویزه خبر می‌دهد. همچنین او با سید نورالدین، فرزند محدث جزایری، جلسات مباحثه داشت. یکی از اصلی‌ترین موضوعات مورد بحث در این جلسات «احادیث مشکل» بود. همچنین وی فرزندی با نام جمال‌الدین داشت که او نیز دارای ارتباط علمی با سید صاحب اجازه بود. تاریخ وفات شیخ اسکندر حدود ۱۱۴۰ ق ذکر شده است.^{۲۶۹} از آثار مکتوب علمی و حدیثی این محدث، اطلاعی در دست نیست.

۲۶۵. ن. ک: الاجازة الكبيرة، ص ۵۵.

۲۶۶. ن. ک: الذریعة، ج ۱۰، ص ۱۲ و ج ۲، ص ۷۶.

۲۶۷. ن. ک: همان، ج ۹، ص ۵۷.

۲۶۸. ن. ک: همان، ج ۳، ص ۳۰۵.

۲۶۹. ن. ک: الاجازة الكبيرة، ص ۱۲۸.

۵. شیخ عبدالله بن ناصر حویزی همیلی

شیخ عبدالله بن ناصر منسوب به یکی از روستاهای اطراف هویزه است که نه‌ری به نام همیلی از آن عبور می‌کند.^{۲۷۰} وی که فقیه و محدث متبحری بود، مدتی را در اصفهان در محضر شیخ جعفر حویزی (م ۱۱۱۵ق) و سپس در محضر شیخ یعقوب بن ابراهیم بختیاری (م ۱۱۴۷ق) بهره برد و بر ایشان قرائتی داشت. سید عبدالله، درباره استفاده از محضر شیخ عبدالله بن ناصر حویزی همیلی می‌نویسد:

كَانَ عَالِمًا صَالِحًا وَرِعًا مَاهِرًا فِي الْعُلُومِ الْعَرَبِيَّةِ، فَقِيهًا مُحَدِّثًا ... اجْتَمَعْتُ
بِهِ فِي الدُّورِقِ وَ كَانَ مُدْرِسًا فِي مَدْرَسَتِهَا ثُمَّ فِي الْحُوَيْزَةِ ثُمَّ فِي التُّسْتَرِ وَ
اسْتَفَدْتُ مِنْهُ.^{۲۷۱}

او دانشمند، صالح، باورع، دارای مهارت در علوم عربی، فقیه و محدث بود ...
با او در دورق، ملاقات داشتم. وی از مدرّسان مدرسه دورق بود. سپس در هویزه و
بعد در شوشتر از محضرش بهره بردم.

شیخ عبدالله از اساتید مدرسه دورق بوده و در سال ۱۱۴۳ق در شوشتر وفات کرد. بنابراین وی
از محدثانی است که در فضای نص‌گرایی اصفهان حضور داشت و در مسیر تبادل اجازات و حلقات
و مباحثات حدیثی نیز قرار گرفت.

۶. شیخ علی بن نصرالله حویزی قاضی

سید عبدالله جزایری درباره شیخ علی بن نصرالله که دارای منصب قضاوت در هویزه بوده
می‌نویسد:

كَانَ عَالِمًا، فَقِيهًا، مُحَدِّثًا، مُبَارَكَ الْحَالِ، اجْتَمَعْتُ بِهِ فِي الْحُوَيْزَةِ كَثِيرًا وَ
اسْتَفَدْتُ مِنْ بَرَكَاتِهِ. تُوْفِيَ سَنَةَ الْخَمْسِينَ، رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ.^{۲۷۲}

وی عالمی فقیه، محدث و با برکت بود. فراوان با وی در هویزه ملاقات داشتم
و از برکاتش بهره بردم. در سال ۱۱۵۰ق فوت کرد.

۲۷۰. ن. ک: مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۱۴۸.

۲۷۱. الاجازة الکبيرة، ص ۱۵۰.

۲۷۲. همان، ص ۱۵۵.

در ترجمه وی به محدث بودن او تصریح شده؛ اما به تألیفات و آثار حدیثی او اشاره نشده است. منابع دیگر نیز به الاجازة الکبيرة جزایری استناد کرده و اطلاعات بیشتری ارائه نداده‌اند.

۷. شیخ عوض بصری حویزی

شیخ عوض از شاگردان سید نعمت‌الله جزایری بود که در شوشتر بر او قرائت داشت. وی در هویزه از محضر عالمان آن شهر استفاده کرد و بر ایشان نیز قرائتی داشت. سید عبدالله جزایری، در کتاب الاجازة الکبيرة خود، شیخ عوض را عالمی پرهیزکار معرفی کرده و تصریح می‌کند که از محضر علمی وی استفاده کرده است. همچنین به برخی ویژگی‌های او مانند اشتغال فراوان علمی و تعطیلی کم، اشاره می‌کند. این عالم هویزی در حدود سال ۱۱۶۰ ق وفات کرد.^{۲۷۳}

۸. شیخ محمد بن کرم‌الله حویزی

شیخ محمد یکی از چهار عالم سرشناس هویزی است که نوه محدث جزایری، «الاجازة الکبيرة» را برای او نوشت. این اجازة در سال ۱۱۶۸ ق صادر شد. خاندان کرم‌الله حویزی یکی از خاندان‌های علمی این منطقه به شمار می‌روند که تعداد قابل توجهی از آنها در مقبره‌ای با عنوان «آل الحویزی» در نجف مدفون هستند.^{۲۷۴} ظاهراً این خاندان با شهرت کرمی هنوز در خوزستان دارای جایگاه علمی هستند. سید در متن اجازة، از وی به بزرگی یاد کرده و درباره‌اش می‌نویسد:

كَانَ مِنْ أَجْزَلِ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيَّ أَنْ شَرَّفَنِي بِصُحْبَةِ الْمَوْلَى الْمُقَدَّسِ الْإِمَامِ
الْمَخْدُومِ الْجَلِيلِ وَالْجَبْرِ الْعَظِيمِ النَّبِيلِ مُسْتَجْمَعِ الْمَكَارِمِ الْفَاضِلَةِ وَالْمَلَكَاتِ
الْمَرْضِيَّةِ الْعَادِلَةِ صَاحِبِ الْمَأْتِرِ الْمُتَضَاعَفَةِ بِالْبِكْرَةِ وَالْأَصِيلِ وَحَائِزِ صُنُوفِ
الْمَفَاخِرِ بِالْإِجْمَالِ وَالتَّفْصِيلِ الْفَاضِلِ الْفَاصِلِ وَالْمُرْتَدِّ الْكَامِلِ شَهَابِ الْمَجْدِ
الثَّاقِبِ وَدُرِّيِّ فَلَكِ الْمَنَاقِبِ الْعَالِمِ النَّحْرِيرِ الْبَارِعِ فِي التَّقْرِيرِ وَالتَّحْرِيرِ الْفَالِجِ
بِالسَّهْمِ الْأَوْفَى قِدَاخُهُ الْفَائِضُ بِرَحِيقِ التَّحْقِيقِ أَقْدَامُهُ ذُو النَّظَرِ السَّدِيدِ وَالبَاعِ
الْمَدِيدِ وَالذَّهْنِ الْوَقَادِ وَالطَّبْعِ النَّقَادِ وَالْقَلْبِ السَّلِيمِ وَالْحِطِّ الْجَسِيمِ عِلْمُ
الْأَعْلَامِ وَ شَيْخُ الْإِسْلَامِ الْمَأْيُذُ الْمُسَدَّدُ الشَّيْخُ مُحَمَّدُ بْنُ كَرَمِ اللَّهِ الْحَوَيْزِيِّ.^{۲۷۵}

۲۷۳. ن. کنه همان، ص ۱۵۷.

۲۷۴. ن. کنه ماضی النجف و حاضرها، ج ۲، ص ۱۸۱.

۲۷۵. الاجازة الکبيرة، ص ۲.

یکی از بهترین نعمت‌های خدا که به من ارزانی داشت این بود که به خدمت مولی مقدس، امام مورد خدمت، بزرگ و بلنداندیشه و باهوش، دارای مکارام فاضله و ملکات مرضیه راستین، صاحب آثار نو و اصیل بسیار، دارنده انواع افتخارات کلی و جزئی، فاضل و جداکننده حق از باطل، راهنمای کامل، ستاره درخشان و نافذ، گوهر دنیای مناقب، دانشمند اثرگذار، توانای در تقریر و تحریر، تیراندازی که تیرش را به هدف می‌زند، فیض‌رسانی که سرریز تحقیقش به دیگران می‌رسد، دارای دیدگاه استوار و توانایی ماندگار و ذهن جوشان و طبع نقاد و قلب سلیم و بهره قابل توجه، بزرگ بزرگان و شیخ الاسلام دارای تایید محکم، شیخ محمد بن کرم‌الله حویزی رسیدم.

این عبارات نشان‌دهنده جایگاه بالای علمی و اجتماعی وی است. سوگ‌مندانه اطلاع دیگری از آثار او به دست نیامد؛ ولی قرار گرفتن در مسیر تبادل اجازات حدیثی، گویای رویکرد حدیثی اوست.

۹. شیخ ابراهیم بن خواجه عبدالله بن کرم‌الله حویزی

شیخ ابراهیم، برادرزاده شیخ محمد بن کرم‌الله حویزی است که سید عبدالله جزایری برای او و عمویش اجازه حدیثی مفصلی صادر کرده که به «الاجازة الکبيرة» شهرت دارد. شیخ ابراهیم نیز در متن اجازه، همانند عموی خود با القاب و اوصاف بلندی توصیف شده است. نکته مهم این است که روح اجازه سید عبد الله جزایری، حدیثی بوده و در انتهای اجازه این چنین تصریح کرده است:

... رَوَايَةٌ مَا أَرَوِيهِ مِنْ مُصَنَّفَاتِ عُلَمَائِنَا رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فِي فُنُونِ الْعُلُومِ
الشَّرْعِيَّةِ سَيِّمًا عِلْمَ الْحَدِيثِ الَّذِي هُوَ أَشْرَفُهَا وَ أَعْلَاهَا وَ أَرْجَحُهَا فِي مِيزَانِ
الِاعْتِبَارِ وَ أَوْلَاهَا وَ أَتَمَّنُّهَا فِي سَوْقِ الْقَبُولِ وَ أَعْلَاهَا وَ أَحَقُّهَا بِأَنْ تُصَرَّفَ فِيهِ
الْأَعْمَارُ وَ أَجْرَاهَا وَ أَجْمَعُهَا لِلْفَوَائِدِ وَ أَشْمَلُهَا وَ أَنْفَعُهَا فِي سَعَادَةِ الدَّارَيْنِ وَ
أَكْمَلُهَا. ٢٧٦

به او اجازه روایت آن چه را که خود از مصنفات علمای شیعه رضوان الله علیهم روایت کرده‌ام می‌دهم؛ مصنفتاتی که در علوم شرعیه است؛ به‌ویژه علم حدیث که اشرف علوم شرعیه و بالاترین آن و ممتازترین آن در ترازوی اعتبار و اولویت‌دارترین و سنگین‌ترین و گران‌قیمت‌ترین آن در بازار قبول است و بهترین دانشی است که سزاوار است، عمر در راه آن صرف شود و پرکاربردترین دانش و

پرفایده‌ترین و شامل‌ترین و سودمندترین و کامل‌ترین دانش در خوش‌بختی دنیا و آخرت است.

این عبارت نشان‌دهنده جایگاه دانش حدیث در آن دوره بوده و اهمیت آن را بین مُجیز و مُجاز بیشتر آشکار می‌کند. سوگ‌مندانه از سرگذشت و آثار مکتوب شیخ ابراهیم اطلاعات بیشتری در دست نیست.

۱۰. شیخ ابراهیم بن عبدالله بن ناصر حویزی همیلی

شیخ ابراهیم یکی از چهار عالم حویزی است که در ضمن «الاجازة الکبيرة» از سید عبدالله جزایری اجازه نقل روایت داشت. سید جزایری درباره او می‌نویسد:

أَعْلَمُ الْفَاضِلِ الْكَامِلِ الْأَدِيبِ الْخَطِيبِ، جَامِعِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَ مَحَاسِنِ
الْجِصَالِ، حَائِزُ قَصَبَاتِ السَّبْقِ فِي مَصَامِيرِ الْكَمَالِ، أَسْعَيْدُ الْأَمِينِ، إِمَامُ
الْمُسْلِمِينَ، قُدْوَةٌ الْأَبْرَارِ، عَصَامُ الْأَخْيَارِ، حِلْيَةُ الْمَحَارِبِ وَ الْمَنَابِرِ، نَاشِرُ لُؤَاءِ
الْعِلْمِ كَابِرًا عَنِ كَابِرٍ، الشَّيْخُ إِبْرَاهِيمُ ...^{۲۷۷}

دانشمند فاضل کامل، ادیب سخنور، جامع مکارم اخلاق و ویژگی‌های نیکو،
دارای رتبه‌های برتر در مراحل کمال، سعید امین، امام مسلمین، پیشانی نیکان،
پناهگاه خوبان، زیبایی محراب‌ها و منبرها، رساننده پرچم علم بزرگان، شیخ ابراهیم
...

اصل این اجازه برای شیخ محمد بن کرم‌الله حویزی و شیخ ابراهیم بن عبدالله بن کرم‌الله صادر شده بود. سپس شیخ ابراهیم و شیخ محمد بن شیخ محمد مقیم بن شیخ درویش نیز از سید عبدالله جزایری، استجازه کردند. مُجیز، این دو نفر را نیز با عبارت «فلیعلم انهما شریکان مع الشیخین المتقدمین فی هذه الاجازة» یعنی این دو نفر نیز با دو شیخ پیشین در این اجازه شریک‌اند؛ به افراد مُجاز افزود.^{۲۷۸} اجازه شامل همه کتاب‌های سید عبدالله و روایت او از همه مصنّفات حدیثی و غیر حدیثی اجدادش و همچنین عالمان گذشته می‌شود که شیخ ابراهیم و شیخ محمد مقیم نیز در نقل آن‌ها شریک شده‌اند.^{۲۷۹} اطلاعات بیشتری از آثار و سرگذشت این عالم در دست نیست.

۲۷۷. همان، ص ۲۱۲.

۲۷۸. ن. کت همان، ص ۲۱۲.

۲۷۹. ن. کت همان، ص ۴.

۱۱. شیخ محمد بن محمد مقیم اصفهانی غروی

محمد بن محمد مقیم بن شیخ درویش محمد در هویزه ساکن بود. پدر او شیخ محمد مقیم بن درویش از بزرگان اصفهان و شاگرد علامه مجلسی، پس از سقوط اصفهان به دست لشکر افغان، متواری و راهی نجف می‌شود و در نهایت مقیم آن عتبه مقدسه می‌گردد.^{۲۸۰} شیخ محمد بن محمد، ذیل اجازه سید عبدالله جزایری قرار گرفته و در نقل از منابع حدیثی با سه نفر دیگر از عالمان هویزه شراکت در اجازه دارد. سید عبدالله در وصف شیخ محمد می‌نویسد:

العالمُ الفاضلُ اللّودعیُّ، سُلالةُ الفضلاءِ الأماجدِ، بَقیةُ أهلِ بیتِ التّقوا وَ السّدادِ، خَریةُ طُرُقِ العِلْمِ وَ الدّرایةِ وَ الرّویةِ، مِصباحُ مَسالِكِ الرّشادِ وَ الهدایةِ، الموفّقُ المُسدّدُ المأیّدُ، الشّیخُ مُحَمَّدُ ابنُ الشّیخِ مُحَمَّدِ مُقِیمِ بنِ الشّیخِ دَرویشِ مُحَمَّدِ بنِ الإصفهانیِّ الغَرویِّ.^{۲۸۱}

دانشمند فاضل باهوش از نسل فضلائی نیکوکار و خاندان تقوا و پایداری، پُرکننده چاله‌های علم و فهم و روایت، چراغ راه‌های رشد و هدایت، موفّق و استوار و مورد تایید، شیخ محمد بن شیخ محمد مقیم بن شیخ درویش محمد اصفهانی غروی.

اطلاعی از نگاشته‌های این محدث در دست نیست و تنها در برخی منابع، کتاب «مشکاة البهیه فی الفرائد القرآنیة» به او نسبت داده شده است.^{۲۸۲} با توجه به تاریخ صدور اجازه در سال ۱۱۶۸ ق، تاریخ وفات چهار عالم مُجاز باید پس از این تاریخ باشد.

عالمان فراوان دیگری نیز در دوره حکومت مشعشعیان در منطقه هویزه می‌زیستند که به دلیل اطلاعات کم و ناقص از زندگانی و محتوای آثار ایشان، زمینه پرداختن به آن‌ها مهیا نیست و تنها به یادکرد نام و تاریخ وفاتشان اکتفا می‌شود. بدون شک آنها نیز در شکوفایی جریان حدیثی منطقه نقش داشتند.

۱. الشیخ ربیع بن جمعة العبری العبادی الحویزی: زنده در سال ۹۱۲ ق^{۲۸۳}

۲۸۰. ن. کة الذریعة، ج ۶، ص ۲۳۷.

۲۸۱. الاجازة الکبیرة، ص ۲۱۲.

۲۸۲. ن. کة الذریعة، ج ۲۱، ص ۵۶.

۲۸۳. ن. کة اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۴۵۲.

۲. علی بن احمد بن محمد بن علی بن احمد بن ابی جامع الحارثی: م ۱۰۰۵ ق ۲۸۴
۳. شیخ حسین بن محی الدین بن عبداللطیف الجامعی: متوفای پس از ۱۰۹۰ ق ۲۸۵
۴. شیخ عبدعلی بن ناصر بن رحمة الحویزی: متوفای پس از ۱۰۶۳ ق ۲۸۶
۵. ناصر بن سعید بن ناصر بن رحمة الحویزی: متوفای پس از ۱۰۶۳ ق ۲۸۷
۶. سید علی بالیل الحسینی الجزائری الذورقی: م ۱۱۰۰ ق ۲۸۸
۷. عبدالقاهر بن الحاج عبد بن رجب العبادی الحویزی: متوفای حدود ۱۱۱۰ ق ۲۸۹
۸. محی الدین بن الحسین بن محی الدین بن عبداللطیف الجامعی: متوفای پس از ۱۱۱۹ ق ۲۹۰
۹. شیخ عبدمحمد بن عبدالجلیل ابن الحاج عبدمحمد الحویزی: م ۱۱۲۸ ق ۲۹۱
۱۰. شیخ حسن بن حسین بن محی الدین الجامعی: م ۱۱۳۱ ق ۲۹۲
۱۱. عبدالحسین الحویزی القاری: متوفای حدود ۱۱۴۰ ق ۲۹۳
۱۲. کرم الله بن محمد حسن بن کرم الله حبیب بن فرج الله الحویزی: م ۱۱۵۴ ق ۲۹۴
۱۳. شیخ خمیس بن صالح خلف آبادی: متوفای حدود ۱۱۶۰ ق ۲۹۵
۱۴. شیخ احمد بن صالح خلف آبادی: متوفای قرن ۱۲ ق ۲۹۶
۱۵. شیخ جمال الدین بن الشیخ اسکندر الحویزی: متوفای پس از ۱۱۶۸ ق ۲۹۷

جمع بندی

-
۲۸۴. ن. ک: موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، ص ۱۸۸.
۲۸۵. ن. ک: اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۱۹۶.
۲۸۶. ن. ک: الذریعة، ج ۹، ص ۶۹۰.
۲۸۷. ن. ک: همان، ص ۹۶۱.
۲۸۸. ن. ک: مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۱۸۳.
۲۸۹. ن. ک: موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۱۷۸.
۲۹۰. ن. ک: تکملة امل الأمل، ص ۳۹۸.
۲۹۱. ن. ک: اللاجزة الكبيرة، ص ۱۵۱.
۲۹۲. ن. ک: همان، ص ۱۳۱.
۲۹۳. ن. ک: همان، ص ۱۴۳.
۲۹۴. ن. ک: موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۴۸۰.
۲۹۵. ن. ک: اللاجزة الكبيرة، ص ۱۳۷.
۲۹۶. ن. ک: همان.
۲۹۷. ن. ک: همان، ص ۱۳۱.

قرن‌های نهم تا دوازدهم هجری قمری در جنوب غربی ایران و هم‌زمان با تشکیل حکومت مشعشعیان، زمینه‌ای برای رشد علم و حدیث به وجود آمد و به اوج شکوفایی خود رسید. زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی مناسب در هویزه، سبب تمرکز حضور عالمان در این منطقه و تجمیع توان علمی در این دوره شد. در این بازه زمانی و گستره جغرافیایی، می‌توان ده‌ها عالم اثرگذار را شناسایی و معرفی نمود که محور فعالیت بیشتر آنان، دانش حدیث بوده است. تبدیل شدن معارف اهل بیت علیهم‌السلام به میراث خانوادگی عالمان در هویزه، نقش مهمی در رونق حدیث ایفا کرد. خاندان آل ابی‌جامع، خاندان جزایری، خاندان کرم‌الله حویزی (کرمی) و خاندان مشعشعی نمونه روشن این میراث‌داران هستند که در این نوشتار، برخی از آنها معرفی شدند. حضور این عالمان، سبب شکل‌گیری حلقه‌ها، کرسی‌ها و رونق مدارس در مناطق تحت سیطره هویزه شد. صدور اجازات حدیثی، تدریس و تدرّس و نگاشته‌های بسیار، محصول این دوره پررونق است. شناساندن عالمان هویزه، موجب می‌شود تا زمینه‌های این منطقه برای بازتبدیل به نقطه‌ای محوری در فعالیت‌های علمی و دینی مورد توجه قرار گیرد و الگوی ترویج معارف حدیثی با محوریت عالمان شود.

کتاب‌نامه

۱. الاجازة الکبيرة، سيد عبدالله موسوی جزایری تستری، تحقیق محمد سماوی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، اول، ۱۴۰۹ق.
۲. اعیان الشیعة، سید محسن امین، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۶ق.
۳. امل الأمل، شیخ حر عاملی، نجف، مکتبة الاندلس، ۱۳۸۵ق.
۴. تکملة امل الأمل، سید حسن صدر، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۶ق.
۵. الذخیره فی العقبی فی مودة ذوی القربی، سید شبر بن محمد بن ثنوان الحویزی المشعشعی، تحقیق سید مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، اول، ۱۴۳۰ق.
۶. الذریعة الی تصانیف الشیعة، شیخ آقا بزرگ تهرانی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۷. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله افندی اصفهانی، تحقیق سید احمد حسینی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۳ق.
۸. فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، علی صدرایی خویی، قم، دارالحدیث، اول، ۱۳۸۴ش.
۹. الکوکب المنتشرة، شیخ آقا بزرگ تهرانی، تهران، دانشگاه تهران، اول، ۱۳۷۲ش.
۱۰. ماضی النجف و حاضرها، جعفر و باقر آل محبوبه نجفی، نجف، مطبعة العلمیه، ۱۳۷۴ق.